

بررسی رابطه میان نگرش سیاسی مخاطبان نخبه و نحوه رمزگشایی آنها از برنامه خبری ۲۰:۳۰ شبکه دو سیما در شهر همدان

جواد افشارکهن^۱

مجتبی هوشمندی یاور^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲

چکیده

امروزه با توسعه و تنوع شیوه‌های اطلاع‌رسانی در اخبار تلویزیونی، استفاده از نرم‌خبرها^۳، چیش گفتمانی، ایدئولوژی‌های مستتر و چارچوب‌بندی نوظهور در خبر اهمیت فراوان‌تری یافته است. یک رویداد واحد می‌تواند به چندین شکل رمزگذاری و از تلویزیون پخش شود و همواره این امکان وجود دارد که مخاطبان به اشکال مختلفی پیام‌ها را رمزگشایی کنند. مسئله محوری این مقاله حول این موضوع قرار دارد که اگرچه متون خبری را دست‌اندرکاران رسانه‌ای تولید می‌کنند، اما آنچه مهم تلقی می‌شود این است که فهم و درک مخاطبان از آنها چگونه است؟ چطور آن را می‌فهمند و دست به رمزگشایی می‌زنند؟ پژوهش حاضر بر اساس چارچوب نظری استوارت هال و نظریه لاکلائو و موفه تدوین شده و برای آزمون ایده مورد نظر از روش پژوهش ترکیبی استفاده شده است. برای شناخت چگونگی مواجهه مخاطبان با برنامه خبری ۲۰:۳۰ از مصاحبه عمیق و برای سنجش نگرش سیاسی آنان از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مخاطبانی که دسترسی فراخ‌تری به گفتمان‌های متفاوت دارند، رمزگشایی متفاوتی از برنامه خبری ۲۰:۳۰ می‌کنند. آنان بر اساس نوع نگرش سیاسی متمایل به محافظه‌کاری و لیبرال و همچنین تغییرهایی نظیر سرمایه فرهنگی، موقعیت ساختاری و موقعیت سوژه‌ای که در آن قرار می‌گیرند، دست به رمزگشایی متفاوتی می‌زنند.

کلیدواژه: رمزگذاری، رمزگشایی، موقعیت ساختاری، موقعیت سوژه‌ای، دسترسی

گفتمانی، سرمایه فرهنگی، نگرش سیاسی.

۱. j.afsharkohan@basu.ac.ir

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

۲. m.hooshmandi91@basu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

مقدمه و طرح مسئله

تولید پیامی معنادار در گونه^۱ خبری همواره امری دشوار به نظر می‌رسد. یک رویداد واحد می‌تواند به چندین شکل رمزگذاری شود و از تلویزیون پخش شود. اما همواره این امکان وجود دارد که بیش از یک رمزگشایی از آن صورت گیرد. پیام‌ها برخی از قرائت‌ها را القا می‌کنند و در سایر قرائت‌ها خود را برجسته می‌کنند، اما این به آن معنا نیست که قرار است همواره یک نوع رمزگشایی از معانی پیام صورت گیرد. پیام‌های ردوبدل‌شده در ارتباط‌های اجتماعی کیفیتی چندمعنایی به خود می‌گیرند و قرائت‌های متفاوتی از یک پیام می‌شود. «استخراج معنا از پیام کار بحث‌انگیزی است، هرچند که ممکن است کاری طبیعی و واجد شفافیت به نظر برسد. پیام‌هایی که به شکل معینی رمزگذاری شده‌اند، همواره ممکن است به شکل متفاوتی قرائت شوند» (استوری، ۱۳۸۹: ۳۹). از نظر استوارت هال هیچ‌یک از دو برهه رمزگذاری و رمزگشایی کاملاً قرینه هم نیستند. پیامی که دست‌اندرکاران رسانه‌ای به دنبال تولید آن هستند و آنچه مخاطبان مصرف می‌کنند، ممکن است اصلاً با هم مطابقت نداشته باشد (رن‌لوئیس^۲، ۱۹۸۳: ۱۷۹).

بنابراین در یک متن خبری رمزگان ممکن است رمزگان صریح یا تلویحی و مسکوت‌گذاشته‌شده وجود داشته باشد. مخاطب در رمزگشایی یک رویداد خبری ممکن است رمزگان صریح را به خوبی تشخیص دهد، اما نکته مهم این است که چگونه می‌توان دیگر انواع رمزگان از جمله رمزگان تلویحی، مسکوت‌گذاشته‌شده و غایب را در متن خبری آشکار کرد. مخاطب باید بتواند معانی نهفته و ایدئولوژی موجود در قالب این رمزگان را به سخنی رسا برای خود تبدیل کند. یک متن خبری در قالب گفتمان رسانه‌ای، آغشته به انواع ایدئولوژی‌ها و تحریف‌هایی است که به نفع تولیدکنندگان آن است و آنها سعی در عادی نشان دادن و بی‌طرف بودن خبر دارند. نگاه سنتی گذشته به رمزگشایی از برنامه‌های تلویزیون و از جمله برنامه‌های خبری، مبتنی بر نگاهی منفعلانه به افراد بود و بر این اساس مخاطبان سوژه‌هایی منفعل در نظر گرفته می‌شدند که توسط ایدئولوژی رسمی مسلط برساخته می‌شدند و رمزگان مروج را همان‌گونه که از تلویزیون پخش می‌شد، رمزگشایی می‌کردند؛ به عبارتی آنان ایدئولوژی مسلط حاکم را



1. genere
2. WrenLewis

کامل می‌پذیرند و مطابق خواست آنان رمزگشایی می‌کنند. اما استوارت هال این نگاه سنتی را که مبتنی بر این ادعا بود که ذهنیت‌ها توسط گفتمان حاکم و گروه‌های قدرتمند شکل می‌گیرد، دگرگون ساخت و بر اساس الگوی سه‌وجهی خود بر این امر تأکید کرد که مخاطبان امکان مقاومت در برابر معانی مُرَجِّح حاکم را دارند. استوارت هال بر اساس الگوی سه‌وجهی خود مدعی شد که مخاطبان سه نوع خوانش موافقت‌خوان یا هژمونیک^۱ (مخاطب چیزی را می‌فهمد و رمزگشایی می‌کند که رمزگذار تولید کرده است)، خوانش تعدیل‌گرایانه یا توافقی^۲ (مخاطب بخشی از پیام را مطابق نظر رمزگذار و بخشی را مطابق نظر خودش رمزگشایی می‌کند) و خوانش مخالفت‌جویانه یا معارضی^۳ (مخاطب رمزگشایی‌ای مغایر با متون رمزگذاری‌شده انجام می‌دهد) از متون تلویزیونی دارند (هال و همکاران، ۲۰۰۵).



در جامعه ایران برنامه‌های خبری از دیرباز یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی بوده و مخاطبان خاص خود را داشته‌اند. تلویزیون دولتی در ایران رسانه‌ای قدرتمند و یکی از ابزارهای قابل دسترس در اختیار افراد است و می‌توان گفت که تقریباً در عرصه گفتمانی بی‌رقیب است (آزاد ارمکی و رضایی، ۱۳۸۵: ۱۵۲). به‌خاطر مذهبی بودن جامعه ایران، استفاده از رسانه‌های دیگر از جمله شبکه‌های ماهواره‌ای ممنوع است و بسیاری از وبگاه‌های خبری فیلتر هستند. درعین حال، بیشتر برنامه‌های صدا و سیما از جمله برنامه خبری ۲۰:۳۰ شبکه دوم سیما، دارای آموزه‌ها یا جهت‌گیری‌های مذهبی است و از خلال همین ریشه‌های مذهبی سوژه‌های خود را به‌راحتی اقتناع می‌کند. برنامه خبری ۲۰:۳۰ که هر شب رأس ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه دوم سیما جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، پس از گذشت تقریباً یک دهه از عمر خود توانست به یکی از برنامه‌های خبری پربیننده در رسانه ملی ایران تبدیل شود. برنامه خبری ۲۰:۳۰ کار خود را با پخش اخبار به مدت پانزده دقیقه شروع کرد و در مدت کوتاهی توانست مخاطبان زیادی برای خود فراهم کند. اما همان‌طور که انتظار می‌رود تلویزیون دولتی در ایران در دسترس‌تر است و تولیدات رسانه‌ای بیشتر در اختیار آن است به همین خاطر شاید بتوان گفت بخش قابل‌ملاحظه‌ای از مردم بیشتر به گفتمان تلویزیون رسمی دسترسی دارند. آنچه مهم تلقی می‌شود این است که فهم ما برای

1. hegemonic
2. negotiated
3. oppositional

مواجهه با این نوع رسانه چگونه است. گرچه متون خبری را دست‌اندرکاران رسانه‌ای تولید می‌کنند، اما این مخاطبان هستند که با رمزگشایی از آن به متن خبری جان تازه‌ای می‌بخشند. متون خبری از یک سو همواره نقشی را برای مخاطبان خود تعریف می‌کنند و از سوی دیگر مخاطبان هم گرایش‌های خاص خود را دارند. از آنجایی که هیچ‌یک از این دو به‌طور کامل مغلوب همدیگر نمی‌شوند، همیشه بین آنها تنش وجود دارد. این همان جایی است که ما بر موضع خود ایستاده‌ایم و درصدد پاسخ به این سؤالات هستیم که اگر رسانه دولتی در ایران فراگیر است و تولیدات رسانه‌ای بیشتر در اختیار تلویزیون دولتی است و امکان بروز گفتمان‌های رقیب وجود ندارد، مخاطبان تحت چه شرایطی امکان مقاومت در برابر متون تلویزیونی را دارند؟ آیا همه مخاطبان به یک نحوه به گفتمان‌های مختلف دسترسی دارند؟ مخاطبان بر اساس نوع نگرش سیاسی محافظه‌کار و لیبرال، رمزگان مسلط برنامه خبری ۲۰:۳۰ شبکه دوم را چگونه رمزگشایی می‌کنند؟



مبانی نظری پژوهش

هدف اصلی تحقیق حاضر تبیین چگونگی رمزگشایی مخاطبان و نحوه مقاومت آنها از برنامه خبر ۲۰:۳۰ است. به عبارتی سوژکتیویته مخاطبان از رهگذر ایدئولوژی و هژمونی موجود چگونه شکل می‌گیرد و مخاطبان چگونه در برابر آن واکنش نشان می‌دهند. نگرش تعیین می‌کند که فرد به قلمرو خاصی از سیاست واکنش نشان می‌دهد یا نمی‌دهد (هرمن، ۱۳۸۵: ۹). افراد در زندگی خود با پدیده‌های گوناگونی سروکار دارند و هنگامی که شناختی از پدیده‌ها به دست می‌آورند، با آنها به شیوه‌های خاصی رفتار می‌کنند. این شیوه خاص رفتار کردن با پدیده‌ها را می‌توان نگرش نامید. از نظر آلموند^۱ و وربا^۲، نگرش سیاسی تمایلات درونی و روانی افراد در جهت کش سیاسی است که خود متأثر از عواملی مانند سنت‌ها، خاطرات تاریخی، انگیزه‌ها، عواطف، نهادها و عوامل جامعه‌پذیری سیاسی است (آلموند و وربا، ۱۹۸۹: ۱۳). ادبیات نظری پژوهش به دو نوع نگرش سیاسی تقسیم شد که عبارت است از نگرش سیاسی محافظه‌کار (سستی) و نگرش سیاسی لیبرال (آزادی‌خواه، تحول‌خواه یا نوگرا) که در این پژوهش محور اصلی بحث خواهد بود.

1. Almond
2. Verba

«نگرش سیاسی محافظه‌کار حاکی از آن است که افراد جامعه کمتر گرایش به تفکر راه‌جویی مدبرانه دارند، بلکه بیشتر منفعلانه تسلیم محیط می‌شوند» (افشانی و همکاران ۱۳۸۹: ۳۳). نگرش سیاسی محافظه‌کار مخالف هرگونه دگرگونی بنیادین و اساسی در جامعه است و بیشتر متکی بر آداب و رسوم، مذهب و اقتدار است. بشیریه در کتاب تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم در این باره می‌گوید: «آنها با هرگونه طرح و اندیشه خیالی و انتزاعی برای ایجاد دگرگونی‌های عمیق در جامعه و سیاست مخالف‌اند و اجرای چنین طرح‌هایی را ناممکن می‌پندارند. محافظه‌کاران آرا و استدلال‌های خود را بر اساس تجارب ملموس تاریخی استوار می‌سازند.» (بشیریه، ۱۳۹۱: ۱۷۴). آنها بیشتر پای‌بند سنت هستند و از امور تجربه‌نشده و نامأنوس دوری می‌کنند. به تعبیر مایکل اوکشات^۱ «محافظه‌کاری^۲ یعنی ترجیح امر مأنوس بر امر مجهول، امر آزموده بر امر نیازموده، واقعیت بر اسطوره، امر حقیقی بر امر ممکن، امر محدود بر امر نامحدود، امر نزدیک بر امر دور، امر بسنده بر امر وفور و به تعبیری محافظه‌کاری یعنی ترجیح خنده‌حال بر لذت آرمانی» (اوکشات، ۱۹۶۲: ۱۶۹).

محافظه‌کاری دارای اصولی به شرح زیر است:

۱. بدبینی به عقل انسان: محافظه‌کاران عمیقاً به طبع بشر و امکان اصلاح آن به کمک عقل بدبین‌اند؛ و عقل انسانی را در برابر عقل کلی‌تر نهفته در سنت و مذهب به چیزی نمی‌گیرند. به نظر آنان میان عقل و رأی فردی با حقیقت پیوندی نیست و به‌طور کلی معرفت قطعی و یقینی دست‌نیافتنی است. محافظه‌کاری داعیه اصلی تجدد و روشنگری درباره انسان، یعنی آزاد و آگاه و خودمختار و قابل ترقی دانستن او را رد می‌کند. ۲. دفاع از مذهب: میان محافظه‌کاری و مذهب پیوندی نزدیک وجود دارد. محافظه‌کاران معتقدند که مقصود و غایتی الهی در زندگی انسان در کار است و حقوق و تکلیف آدمیان از آن برمی‌خیزد. بنابراین عقل محدود آدمی نمی‌تواند نیازهای انسان را دریابد یا آنها را برآورده سازد. ۳. طبیعی بودن تفاوت انسان‌ها به لحاظ توانایی: از دیدگاه آنها انسان‌ها طبعاً از حیث توانایی و استعداد با هم تفاوت دارند و نابرابری بین آنها امری طبیعی است. ۴. قداست مالکیت: محافظه‌کاران برخلاف لیبرال‌ها که مالکیت

1. Michael Oakeshott
2. conservative



را بر اساس مفاهیمی چون حقوق طبیعی توجیه می‌کنند، نیازی به توجیه آن نمی‌بینند و اشکال مالکیت را بی‌چون و چرا می‌پذیرند و آن را امری مقدس می‌پندارند. ۵. محافظه‌کاران نگرش پدرسالارانه به جامعه دارند. از نظر آنها جامعه بیش از جمع عددی افراد و کلیتی است متضمن وابستگی‌ها و مسئولیت‌های متقابل که حکام باید به‌مثابه نقش پدر در خانواده، جامعه را اداره کنند. ۶. در پس استدلال محافظه‌کاران این نکته نهفته است که مردم به یک میزان خردمند نیستند؛ و بنابراین برخی باید دیگران را هدایت کنند. به عبارتی محافظه‌کاران بر قدرت و اقتدار سیاسی فراگیر دولت تأکید دارند (بشیریه، ۱۳۹۱: ۱۷۶).

لیبرالیسم نگرشی است که تأکیدش بیشتر بر روی ارزش‌هایی همچون آزادی برای افراد، اقلیت‌ها و ملت‌هاست. اعتقاد راسخ به وجود آزادی برای نیل به هر هدف مطلوبی صفت بارز لیبرالیسم در هر دوره‌ای بوده است (شاپیرو، ۱۳۹۱: ۲). جوهر لیبرالیسم تفکیک حوزه‌های دولت و جامعه، و تحدید قدرت دولت در مقابل حقوق فرد در جامعه است. لیبرالیسم در آغاز کوششی فکری برای تفکیک حوزه خصوصی (فردی، خانوادگی، اقتصادی) در برابر اقتدار دولتی بوده است و از حوزه جامعه مدنی در برابر اقتدار دولت دفاع کرده است. اساس فلسفی چنین نظری این است که همه انسان‌ها از خرد بهره‌مندند، و خرد ضامن آزادی فردی است (بشیریه، ۱۳۹۱: ۱۱).

از دیدگاه فلسفه سیاسی، لیبرالیسم در معنای وسیع آن، فلسفه آزادی فردی در جامعه تا حدی ممکن است و هرگونه اقتدار و تمرکز قدرت را نقد می‌کند و دشمن اصلی آن محسوب می‌شود. به عبارتی نگرش سیاسی لیبرالیسم ضدتمرکزگرایی، انحصارگرایی و اقتدارگرایی است و با هرگونه نخبه‌گرایی - مبتنی بر حَسَب و نَسَب، مذهب، خانواده و غیره - ضدیت دارد. بشیریه می‌گوید: «از نظر تاریخی، لیبرالیسم به معنای وسیع آن در مقابل سلطه مذهبی و سپس در برابر سلطه حکام خودکامه پدید آمد» (همان). مهم‌ترین خواست لیبرال‌ها در مقابل حکام خودکامه، محدود کردن قدرت آنها به قانون بود.

در بحث رمزگذاری و رمزگشایی، ایدئولوژی مقوله‌ای محوری است و در تعریف ایدئولوژی باید گفت: «ایدئولوژی سیستمی از ایده‌های بهم‌وابسته است که خواسته‌ها و رفتارهای نهادینه‌شده اجتماعی، اخلاقی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی گروه یا جامعه را منعکس و سعی در توجیه عقلانی آنها می‌کند» (عضدانلو، ۱۳۸۶: ۹۵). در این تعریف



می‌توان گفت که ایدئولوژی باورهای فرهنگی‌ای است که به‌عنوان ابزار برای توجیه قشربندی و نابرابری اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌عبارتی «ایدئولوژی اغلب به‌مثابه آگاهی کاذب یا بازنمایی خیالی شرایط واقعی هستی تلقی می‌شود» (میلز، ۲۰۰۱: ۳۲). کافی است افراد آن را تفسیر کنند تا تحت نقاب مفهوم خیالی‌ای که از جهان به دست می‌آورند، واقعیت این جهان را بازیابی کنند. این عمل موجب می‌شود که «انسان‌ها در ایدئولوژی، شرایط هستی واقعی‌شان را به‌صورت تخیلی بازنمایی کنند» (آلتوسر، ۱۳۸۷: ۵۸).

آلتوسر در مقاله «ایدئولوژی و سازویرگ‌های ایدئولوژیک دولت بر مبحث سوژه تأکید می‌کند. از نظر وی «ایدئولوژی فرد را به‌مثابه سوژه فرا^۱ می‌خواند» (فرتر^۲، ۲۰۰۶: ۸۷). آلتوسر بر این باور بود که سوژه‌ها توسط ایدئولوژی برساخته می‌شوند. از نظر وی سوژه برساختی اجتماعی است. هر نظامی برای اینکه از ما سوژه‌هایی در ایدئولوژی بسازد نیاز به دستگاه‌هایی دارد که وی آن را دستگاه‌های دولت^۳ می‌نامد. دستگاه‌های دولت مجموعه‌ای از نهادهایی است که طبقه حاکم از طریق آن سلطه خود را حفظ می‌کند. این نهادها شامل «نیروهایی از ارتش، پلیس و دیگر نیروهایی که مسئولیت حفظ نظم عمومی را برعهده دارند، است» (آلتوسر، ۲۰۰۶: ۱۹۵). آلتوسر دستگاه‌های دولت را شامل دو مجموعه نهاد متمایز می‌داند. یکی نهادهای سرکوبگری که طبقه حاکم از طریق آن قانون خود را اعمال می‌کند تا نظم عمومی را سامان بخشند، آلتوسر این بخش را «دستگاه سرکوبگر دولت^۴» (مانند پلیس و دادگاه) می‌نامد (آلتوسر، ۲۰۰۶: ۱۹). از طرفی دیگر آلتوسر نشان می‌دهد که دولت دستگاهی دیگر به نام دستگاه



1. interpellates

۲. منظور از فراخواندن همان استیضاح یا مورد خطاب قرار دادن است. لوک فرتر (۲۰۰۶) در کتاب «لویی آلتوسر» توضیحی در باب کلمه فرانسوی interpellation دارد. interpellation در انگلیسی به hail (صدا زدن) یا interpellation (بازخواست یا استیضاح) ترجمه می‌شود. در انگلیسی فعل to interpellate کمی مبهم است، اما در فرانسه کلمه interpellation اصطلاحی رایج است. معنی نخست آن یعنی «صدا زدن» یا «فرا یاد زدن» و معنای دوم یعنی «کسی را مورد پرسش قرار دادن یا پرسش از شخصی» است، به‌ویژه در معنای پرس و جوی پلیس یا بازجویی از یک مظنون به کار می‌رود... پس زمانی که ایدئولوژی فردی را صدا می‌زند این اطمینان حاصل می‌شود که نظم و قانون در آن وجود دارد. فعل فرانسوی‌ای که آلتوسر بازگو می‌کند بر نکته‌ای که او در تکوین مفهوم دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت بدان پرداخت اشاره دارد: ایدئولوژی مانند پلیس، برای دولت کار می‌کند. (همان: ۸۸)

3. Ferretter

4. state apparatuses

5. repressive state apparatus



ایدئولوژیک دولت^۱ دارد که وظیفه آن اقناع سوژه‌ها از طریق ایدئولوژی و «ابزاری برای حقیقتی مؤثر و معنی‌ساز» است (لاhtinen^۲، ۲۰۰۹: ۱۴). این دستگاه هم شامل نهادهای دینی، نظام آموزشی، نظام خانواده، نظام حقوقی، نظام سیاسی، اتحادیه‌های تجاری، رسانه‌های جمعی و نظام‌های فرهنگی است (آلتوسر، ۱۹۷۱: ۱۴۱). از نظر وی همه این نهادها کارویژه‌هایی یکسان، با شیوه‌هایی متفاوت دارند. همه آنها درصددند تا از طریق ایدئولوژی و هژمونی سوژه مورد نظر خود را برای طبقه حاکم بازآفرینی کنند.

مفهوم هژمونی، کانون نظری اندیشه گرامشی بود. وی هژمونی را به معنی «اعمال رهبری سیاسی، فکری، فرهنگی و اخلاقی از سوی طبقه حاکم» می‌داندست (موفه^۳، ۱۳۹۱: ۱۴۷). در این مورد هژمونی به دو صورت معنا می‌یابد: نخست اینکه مربوط به فرایند درونی جامعه است که یک طبقه حاکمیت فکری، اخلاقی، فرهنگی، معنوی خود را بر سایر طبقات اعمال می‌کند و دوم اینکه هژمونی به رابطه بین طبقات مسلط و تحت سلطه اشاره دارد. یعنی کوشش موفقیت‌آمیز طبقه مسلط برای استفاده از قدرت به‌منظور کنترل و استفاده از منابع جامعه است. به عبارتی «طبقه مسلط باید نشان دهد که بهتر از بقیه می‌تواند منافع یا آرزوه‌های دیگر طبقه‌ها یا گروه‌های اجتماعی را برآورده سازد» (هالوز^۴ و یانکوویچ^۵، ۱۳۹۱: ۲۴۱). اما برای انجام این اعمال قدرت نمی‌تواند متکی به زور یا اجبار شود، بلکه باید از طریق دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت به‌ویژه به‌کارگیری رسانه‌های جمعی و به‌خصوص تلویزیون، رهبری فرهنگی خود را در جامعه درونی و تبدیل به ارزش کند تا بتواند نظر موافق آنها را به خود جلب کند. گرامشی برخلاف آلتوسر که هیچ نوع امکان مقاومتی برای سوژه‌ها در برابر ایدئولوژی در نظر نگرفته بود، معتقد بود که در جامعه هژمونیک امکان کشمکش و مقاومت یکسره از میان نمی‌رود. نقد وارد بر نظریه گرامشی این است که دیدگاه وی با دو مشکل ذات‌گرایی و جایگاه مؤکد مفهوم ایدئولوژی در اندیشه خود مواجه است. لاکلائو^۶ و موفه در نظریه سازه‌گرایی خود تلاش کردند تا با تعدیل مفهوم هژمونی آن را از ذات‌گرایی رها سازند.

1. ideological state apparatus
2. Lahtinen
3. Mouffe
4. Hollows
5. Jancovich
6. Laclau

لاکائو و موفه از جمله نظریه‌پردازانی‌اند که سنت‌های نظری متفاوتی را برای ارائه نظریه‌ای در باب گفتمان^۱ مطرح کرده‌اند. برخی این دو متفکر را «پسامارکسیست»^۲ (هوارت^۳، ۲۰۰۰: ۱۰۱) و برخی دیگر آنها را «پساساختارگرا»^۴ (ژیژک^۵، ۱۹۹۰: ۲۴۹) و برخی هم این دو را «پسامدرنیست‌های سوسیالیست» (گیبیز و ریمر^۶، ۱۳۸۴: ۲۹) می‌دانند. لاکائو و موفه با الهام از نوشته‌های دیرینه‌شناسی فوکو و نقد هژمونی گرامشی و مباحث آلتوسر دربارهٔ ایدئولوژی، نظریه‌ای در باب گفتمان ارائه کردند که پیامدهای بسیاری برای نظریهٔ اجتماعی و سیاسی به دنبال داشت (کلاتری، ۱۳۹۱: ۱۳۵). لاکائو و موفه معتقد بودند که ساختارهای گفتمانی خود برساخت‌های سیاسی و اجتماعی هستند که ابژه‌ها و اعمال متفاوتی را به وجود می‌آورند. برای فهم این ساختارهای گفتمانی باید از مفهوم مفصل‌بندی^۷ استفاده کنیم. «مفصل‌بندی عملی است که رابطهٔ میان مؤلفه‌ها را تثبیت می‌کند، آنگونه که هویت‌شان در نتیجهٔ عمل مفصل‌بندی دگرگون می‌شود. آن کلیت ساختاریافتهٔ ناشی از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌خوانیم (لاکائو و موفه، ۲۰۰۱: ۱۰۵). از نظر آنها مفصل‌بندی تأسیس نقاط هم‌پیوندی است که معنا به‌طور نسبی در آنجا تثبیت می‌شود. این تثبیت معنا همیشه نسبی و ناقص است. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که ساختارهای اجتماعی به‌دلیل «ازجاکنندگی»^۸ و «گشودگی»^۹ همواره راه را برای کنش‌های دگرگون‌کننده فراهم می‌آورند. آنها در کتاب «هژمونی و راهبرد سوسیالیستی»^{۱۰} درصدد برآمدند تا مفهوم هژمونی گرامشی را که دچار نوعی ذات‌گرایی شده بود نجات دهند. به نظر آنها اگرچه گرامشی توانست از خصلت جبری رابطهٔ گفتمان‌های ایدئولوژیک دوری کند و امکان تکوین ذهنیت‌های متفاوت را باز بگذارد، اما درکل بنای نظریهٔ گرامشی بر بنیانی نامنسجم و جوهر‌گرایانه استوار است، به این معنا که در نظریهٔ هژمونی، یک طبقه همیشه هژمونی خود را بر گروه‌های دیگر

1. discourse
2. post marxism
3. Howarth
4. post structuralism
5. Zizek
6. Gibbi & Reimer
7. articulation
8. displacement
9. openness
10. hegemony and socialist strategy



مسلط می‌کند. آنها برای حل این معضل دو مفهوم موقعیت ساختاری^۱ و موضع سوژه‌ای^۲ را مطرح کردند.

موقعیت ساختاری فرصت‌های زندگی افراد را شکل می‌دهد. این ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی افراد را تحت الزام درمی‌آورند و موقعیت آنها را شکل می‌دهند. به پیروی از گرامشی می‌توان گفت که هیچ‌کس موقعیت‌های ساختاری خود را به صورت مستقیم و بلاواسطه تجربه نمی‌کند. تنها از طریق گفتمان‌های سیاسی است که می‌توانیم موقعیت خود را در چارچوب این ساختار تجربه کنیم (آزاد ارمکی و رضایی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). افراد موقعیت‌های ساختاری خود را از طریق گفتمان‌های سیاسی تجربه می‌کنند؛ یعنی «در نظریه گفتمان، سوژه‌ها به جایگاهی در گفتمان تبدیل می‌شوند» (یورگنس^۳ و فیلیپس^۴، ۲۰۰۲: ۴۰). گفتمان‌ها چارچوب‌هایی مفهومی برای افراد فراهم می‌سازند که به واسطه این چارچوب‌ها، سوژه‌ها موقعیت خود را معنا و تفسیر می‌کنند. موضع سوژه‌ای مجموعه‌ای از باورها است که فرد از طریق موقعیت ساختاری، خودش را معنا و تفسیر می‌کند. از نظر لاکلائو و موفه موضع سوژه‌ای به موقعیت‌های آنان درون ساختارهای گفتمانی مرتبط است. این موقعیت‌ها متکثرند و فرد می‌تواند موقعیت‌های سوژه‌ای متکثری داشته باشد (لاکلائو، ۱۹۹۰: ۶۰).

استوارت هال در مقاله «رمزگذاری و رمزگشایی»^۵ چرخه معنا در گفتمان تلویزیون را شرح می‌دهد. او چرخه معنا را در سه مرحله مورد بررسی قرار می‌دهد که هریک از این سه مرحله برای خود دارای شرایط خاصی هستند. در مرحله نخست دست‌اندرکاران حرفه‌ای رسانه‌ها برای تولید برنامه‌ها طیفی از ایدئولوژی‌ها را برای توصیف رخداد اجتماعی به کار می‌برند. آنها با استفاده از فنون و مهارت‌های فنی چارچوبی را برای ساختن برنامه‌ها اعمال می‌کنند؛ به عبارتی دست‌اندرکاران تولید برنامه تعیین می‌کنند که یک رویداد خام اجتماعی چگونه باید رمزگذاری شود (هال، ۲۰۰۵؛ کوبلی، ۱۳۹۱). در دومین مرحله، وقتی که رویداد خام اجتماعی در گفتمانی معنادار قرار گرفت - زمانی که به صورت گفتمان تلویزیون درمی‌آید و پخش می‌شود - قواعد



1. structural position
2. subject position
3. Jorgensen
4. Phillips
5. encoding and decoding

صوری زبان و گفتمان تسلط پیدا می‌کند. در این مرحله پیام مستعد چندمعنایی و گشودگی است. و در مرحله سوم که هال آن را مرحله رمزگشایی می‌نامد مخاطبان برنامه تولیدشده را که به صورت گفتمانی معنادار شکل گرفته است و از تلویزیون پخش می‌شود، رمزگشایی می‌کنند. در این مرحله، فرد دیگر با یک رویداد خام اجتماعی مواجه نیست، بلکه با ترجمان گفتمانی آن رویداد مواجه است. برای معنادار شدن رویداد مذکور مخاطب باید دست به عمل رمزگشایی بزند و اگر هیچ معنایی مستفاد نشود به این معناست که آن برنامه تلویزیونی مصرف نشده است. از نظر هال اگر مخاطبان اقدام به رمزگشایی از آن گفتمان کنند، خود این عمل به یک رفتار اجتماعی تبدیل می‌گردد؛ یعنی یک رویداد خام اجتماعی که می‌توان در گفتمانی دیگر رمزگذاری شود. بدین طریق گردش گفتمان «تولید»، تبدیل می‌شود به «مصرف»، برای اینکه مجدداً به «تولید» تبدیل گردد (استوری، ۱۳۸۹: ۳۳).

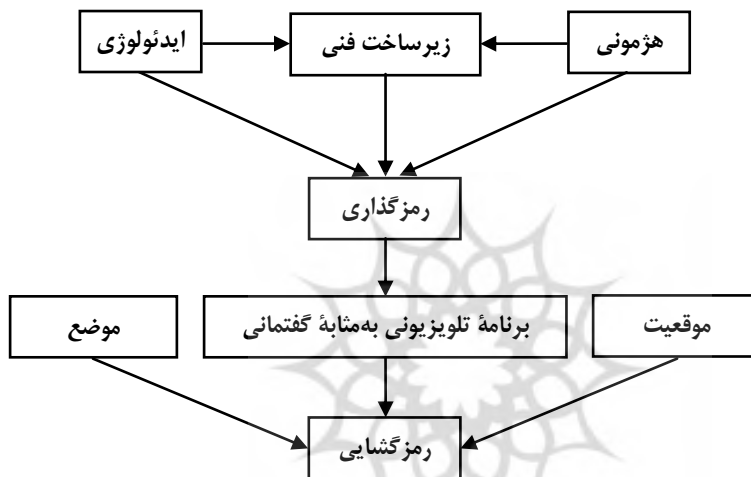
هال بر اساس این چرخه معنا در گفتمان تلویزیون سه نوع الگوی خوانش را مطرح می‌کند: خوانش موافقت‌خوان یا هژمونیک، خوانش تعدیل‌گرایانه یا توافقی، خوانش مخالفت‌جویانه یا معارضی. هال خوانش نخست را با مثالی این گونه توضیح می‌دهد: بیننده معنای تلویحی مثلاً اخبار یا برنامه بررسی رویدادهای جاری را بی‌درنگ و به‌طور کامل درمی‌یابد و پیام برنامه را برحسب رمزگان ارجاعی‌ای که در آن رمزگذاری شده است، رمزگشایی می‌کند؛ به عبارتی بیننده در چارچوب رمزگان مسلط واکنش نشان می‌دهند (همان). رمزگشایی از گفتمان تلویزیونی به این ترتیب یعنی هماهنگ شدن با رمزگان حرفه‌ای تولیدکنندگان آن گفتمان. منظور از رمزگان حرفه‌ای همان فنون و شگردهایی است که دست‌اندرکاران رسانه‌ها برای انتقال پیام به کار می‌برند، رمزگان حرفه‌ای بخشی از هژمونی رمزگان حاکم است.

دومین خوانش از نظر هال، خوانش تعدیل‌گرایانه یا توافقی است که شاید بتوان آن را جایگاه اکثریت نامید. رمزگشایی در چارچوب خوانش تعدیل‌گرایانه شامل ترکیبی از عناصر تطبیق‌یابنده و مخالفت‌جویانه است. این نوع خوانش، رمزگشایی مشروعیت تعاریف به‌دست‌آمده از هژمونی را به رسمیت می‌شناسد، اما در سطحی محدودتر و موقعیت‌مندتر قواعد ملموس خود را آشکار می‌کند. خوانش مخالفت‌جویانه یا متعارض سومین نوع خوانش است. ممکن است بیننده‌ای زیربوم‌های صریح و ضمنی یک گفتمان را کاملاً بفهمد، اما رمز پیام را به شکلی عام و متضاد رمزگشایی کند.



مدل نظری تحقیق

مطابق چارچوب نظری مدل نظری این تحقیق به صورت ذیل است که عواملی چون ایدئولوژی، زیرساخت فنی و هژمونی در کنارهم در رمزگذاری برنامه تلویزیونی مؤثر خواهد بود و هنگامی که برنامه به صورت گفتمانی معنادار از تلویزیون پخش می‌شود مخاطبان چگونه مطابق موقعیت سوژه‌ای و موقعیت ساختاری دست به رمزگشایی خواهند زد.



تحقیقات پیشین

در اواخر دهه ۱۹۷۰ دوروتی هابسون^۱ (۱۹۸۰) به مطالعه رابطه بین زنان خانه‌دار و رسانه‌های جمعی پرداخت. او به این نتیجه رسید که برنامه‌های رادیویی مجموعه‌ای از نکات شاخص را در طول روز برای شنوندگان خود فراهم می‌کنند؛ آنان با گوش دادن به رادیو در واقع درصد آرام کردن خود از استرس و تنهایی‌ای بودند که در طول روز احساس می‌کردند. اغلب آنها درحالی که مشغول به اتمام رساندن کارهای روزمره خانه بودند این احساس را در پس‌زمینه خانوادگی خود داشتند. او به این نکته پی برد که زنان به‌وضوح بین انواع برنامه‌هایی که دوست دارند از تلویزیون تماشا کنند (مثل سریال‌های کمدی یا سریال‌های تلویزیونی^۲) و برنامه‌هایی که شوهرانشان از تلویزیون

1. Dorothy Hobson
2. soap operas

تماشا می‌کنند (مثل خبر و برنامه‌هایی که به مسائل امور جاری می‌پردازد) تفاوتی می‌بینند (هابسون به نقل از گونتلد^۱ و هیل^۲، ۲۰۰۱: ۶). همچنین او در پژوهش بعدی خود بر روی مخاطبان سریال چهارراه^۳ (۱۹۸۲) که با استفاده از روش مردم‌نگاری و مشاهده مشارکتی به چگونگی مصرف مجموعه سریال‌های عامه‌پسند پرداخت، به این نتیجه رسید که معنا چیزی نیست که یک‌دفعه و برای یک بار حادث شود بلکه معنا جریانی تکوین‌یابنده دارد. «تفسیرهای یک برنامه تلویزیونی می‌تواند به اندازه تعداد بینندگان باشد. هیچ پیام یا معنای فراگیر ذاتی‌ای در یک اثر وجود ندارد، بلکه وقتی بینندگان تفسیر و ادراک خود را به برنامه می‌افزایند آن پیام یا معنا جان می‌گیرد و القا می‌شود» (هابسون، ۱۹۸۲: ۱۷۰).

در اوایل دهه ۱۹۸۰، منتقد فرهنگی هلندی آین آنگ^۴ (۱۹۸۵)، به بررسی دلایل لذت‌بخش بودن سریال دالاس پرداخت. آنگ بر این باور بود «که ترکیب عناصر احساسی^۵ و ساختار روایی نمایش این سریال عامه‌پسند، ساختار تراژیک احساس در بیننده را برمی‌انگیزد». برای به کار انداختن چنین ساختاری از احساس، به سرمایه‌ای فرهنگی نیاز است تا شخص در شکل‌بندی قرائتی وارد شود که ملهم از آن چیزی است که آنگ آن را تخیل احساسی می‌نامد. به نظر آنگ، سریال دالاس نوعی از روایت است که تباین‌ها و تعارض‌ها و زیاده‌روی‌های عاطفی برجسته در ملودرام را بازتولید می‌کند و لذا به‌خوبی می‌تواند تخیل ملودرام‌گونه را استمرار دهد و آشکار سازد (آنگ، به نقل از پرویزن، ۱۳۹۰: ۹).

مطالعه دیوید مورلی^۶ (۲۰۰۵) بر روی مخاطبان برنامه نیشن واید^۷، نشان‌دهنده این واقعیت بود که تفاوت‌های قابل توجهی در واکنش مخاطبان به تفسیر برنامه خبری وجود دارد. وی مطالعات خود را بر روی ۲۹ نفر از افرادی که این برنامه خبری را به مدت یک سال تماشا می‌کردند متمرکز ساخت. او دریافت که رمزگشایی مستقیماً برحسب جایگاه طبقه اجتماعی تعیین نمی‌شود، بلکه «قرائت، محصول موقعیت^۸

1. Gauntlett
2. Hill
3. crossroads
4. Ien Ang
5. melodramatic
6. David Morley
7. nationwide audiences
8. position





اجتماعی به‌علاوه موقعیت‌های گفتمانی خاص است، زیرا ساختار دسترسی به گفتمان‌های متفاوت توسط موقعیت اجتماعی تعیین می‌شود» (مورلی و براندستون^۱، ۲۰۰۵: ۲۶۶). «مورلی توانست این موضوع هال را اثبات کند که مصرف‌کنندگان، دریافت‌کننده منفعل معناها و هویت‌های رمزگذاری شده نیستند. حتی مخاطبانی که معنای پیام نیشن‌واید را درون رمزهای مسلط درک می‌کردند، حتی اگر این کار را به‌صورت ناخودآگاه انجام می‌دادند باز هم کار نشانه‌شناختی فعالی انجام می‌دادند» (مورس^۲، ۱۹۹۳: ۲۲). به‌عبارتی پژوهش مورلی نشان داد که مخاطبان افراد منفعلی نیستند و در تفسیر اخبار و رمزگشایی از متون خبر بسیار فعال عمل می‌کنند.

رضایی و غلامرضا کاشی (۱۳۸۴) در مقاله چالش‌های بازتولید هژمونی دولت از طریق گفتمان مدرسه، به بررسی بازنمایی و ذهنیت‌ها پرداخته است. او زندگی روزمره دانش‌آموزان مدارس تهران را مطالعه کرد. وی در این تحقیق سعی کرده است که نحوه حضور نهادی ایدئولوژیک نظیر آموزش و پرورش در مدارس و خلاقیت دانش‌آموزان در مصرف فضای ایدئولوژیک را بررسی کند. بر اساس یافته‌های این تحقیق که با روش کیفی در مدارس پسرانه دولتی منطقه دوازده و منطقه یک تهران انجام شده است، عدم انطباق دو سطح تولید پیام ایدئولوژیک و سطح مصرف با رمزگشایی پیام‌ها، وجه مسلط رابطه میان نهاد مدرسه و مخاطبان آن است. رضایی نتیجه می‌گیرد که وضعیت یادشده، محصول دو پدیده مقاومت دانش‌آموزان در برابر پیام‌های ایدئولوژیک در مدرسه یا بی‌اعتنایی آنهاست (رضایی و غلامرضا کاشی، ۱۳۸۴).

آزاد ارمکی و محمدی (۱۳۸۵) در مقاله تلویزیون و هژمونی فرهنگی (قرائت‌های زنان از سریال نرگس) به نحوه تفسیر و رمزگشایی این سریال از سوی مخاطبان (زنان) می‌پردازند. از نظر آنها، برنامه‌های تلویزیون آکنده از ارزش‌ها و معناها و ایده‌های خاص هستند، اما مخاطبان به‌سبب آنکه جایگاه‌های متفاوتی را در ساختار اجتماعی اشغال می‌کنند و به گفتمان‌های متفاوتی دسترسی دارند، قرائت‌های متفاوتی از «خوانش مرجح» برنامه‌های تلویزیون به دست می‌دهند. آنها با استفاده از روش تحلیل ساخت‌گرایی- نشانه‌شناختی قرائت مسلط از سریال نرگس را مشخص و سپس به تحلیل قرائتی که مخاطبان از این سریال داشتند، می‌پردازند. تحلیل قرائت‌های زنان نشان می‌دهد که آن گروه از زنان که به

1. Brunsdon
2. Moores

زندگی روزمره خود (مسائلی چون خرید، مد، آرایش، تفریح، فراغت و غیره) اهمیت بیشتری می‌دهند، گرایش کمتری به پذیرش خوانش مرجح سریال دارند و اغلب با تضادها و تعارض‌های هویت چندپاره «نسرین» احساس هم‌ذات‌پنداری می‌کنند. برعکس، زنانی که با نرگس هم‌دلی دارند، با تماشای این سریال به دنبال رهایی از هرگونه تناقض و تعارض و نیز دستیابی به نوعی تسلی هستند (آزاد ارمکی و محمدی، ۱۳۸۵).

زنان و سریال‌های تلویزیونی (مطالعه‌ای درباره سریال کلانتر و مخاطبان آن)
پژوهشی است که آزاد ارمکی و محمدی (۱۳۸۵) در پی یافتن نحوه قرائت زنان از گفت‌مان مسلط و حاکم بر متن سریال انجام داده‌اند. گفت‌وگوی گروهی مخاطبان این سریال نشان از انواع مختلف رمزگشایی دارد. بخش اعظم مخاطبان آنهایی هستند که می‌کوشند با گفت‌مان مسلط متن، وارد گفت‌وگو شوند و با تکیه بر جهان‌نگری خود ایده‌ها و تصاویر مسلط متن را معنا کنند. به‌طورکلی، گفت‌مان مسلط سریال کلانتر در پی بازتولید نوعی جهان‌نگری سنتی است که بر مبنای دوگانه خیر/شر، بزرگ/کوچک و زبردست/زیردست است، اما چندان موفق به این کار نمی‌شود. اینکه تلویزیون در مقام یکی از دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت به طرح چنین مسائلی پردازد گویای دو چیز است: یکی حاد بودن و میزان گسترش این مسائل در جامعه ما و دیگری تلاش نظام هژمونیک برای رمزگذاری و معنابخشی و تفسیر این رخدادها و فراخواندن سوژه‌ها به پذیرش این خوانش مرجح. اما تحولات جامعه ما حکایت از دسترسی مخاطبان به دیگر گفت‌مان‌ها دارد و این دسترسی گفت‌مانی مخاطبان را در رمزگشایی وارونه خوانش مرجح یاری می‌کند (آزاد ارمکی و محمدی، ۱۳۸۵).

محمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان *مخاطبان و مجموعه‌های تلویزیونی: قرائت‌های زنان از مجموعه پرواز در حباب* به تبیین قرائت و چگونگی رمزگشایی مخاطبان زن از سریال پرواز در حباب می‌پردازد. این پرسش که مجموعه‌های تلویزیونی، به‌مثابه گفت‌مان‌هایی ترکیبی، چه معناها، ایده‌ها و ارزش‌هایی را مروج می‌سازند و مخاطبان چگونه این معناها، ایده‌ها و ارزش‌ها را رمزگشایی و تفسیر می‌کنند، موضوع اصلی پژوهش بوده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که خوانش مروج این پژوهش می‌کوشد که نهیلیسم اجتماعی نهفته در پس‌گرایش افراد به مواد مخدر را پنهان کند و علت اصلی شکل‌گیری این پدیده را به وجود منابع شر نسبت دهد. اما در تحلیل قرائت مخاطبان مشخص می‌شود که مخاطبان قرائت معارضی از این مسئله دارند (محمدی، ۱۳۸۷).



محمدی و کریمی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل قرائت‌های زنان از مجموعه‌های تلویزیونی (مطالعه موردی قرائت‌های زنان شهر ایلام از سریال فاصله‌ها) به این نتیجه رسیدند که تفاوت‌های زیادی در واکنش مخاطبان، به این سریال وجود دارد و آنان دریافت‌کنندگان منفعل پیام‌های موجود در سریال نیستند. زنان با توجه به طبقه اجتماعی و شرایط اجتماعی‌ای که در آن زندگی می‌کنند، دسترسی متمایزی به گفت‌وگوهای متفاوت دارند و بنابراین از سوبژکتیویته ناهمسانی برخوردارند. به همین دلیل در مواجهه با گفت‌وگوهای مسلط سریال، آن را به گونه‌های متفاوتی رمزگشایی می‌کنند. هرکدام از زنان به دلایل متفاوتی از تماشای این سریال لذت می‌برند. اما نمی‌توان گفت این لذت بردن بر پذیرش ایدئولوژی و مفاهیم بازتولیدشده در سریال از سوی همه آنها دلالت دارد. سریال‌ها تلویزیونی نمایش‌هایی مستمر و بدون پایان هستند و این ویژگی با سبک زندگی روزمره زنان که مستمر و بدون پایان است، همخوانی دارد (محمدی و کریمی، ۱۳۹۰).

به‌طور کلی، امروزه مطالعه تلویزیون و مخاطبان به یکی از حوزه‌های مطالعاتی وسیع و پرمناقشه تبدیل شده است. بیشتر پژوهشگرانی که در این حوزه به تحقیق پرداخته‌اند، مخاطب را کنشگری فعال در نظر می‌گیرند که قادر است محتوای پیام را وارونه و مطابق خواسته خود رمزگشایی کند. بیشتر نظریه‌پردازان این سنت معتقدند که محتوای برنامه‌های تلویزیونی پرابهام‌اند و نمی‌توان همیشه یک خوانش خاص و ثابت از محتوای برنامه‌ها داشت.



روش‌شناسی

پژوهش حاضر به صورت روش ترکیبی انجام گرفته است. نخست برای سنجش نگرش سیاسی مخاطبان از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. محققان با مطالعه ادبیات نظری در زمینه نگرش سیاسی گزاره‌هایی را برای پرسش‌نامه محقق ساخته خود فراهم آوردند و سپس با استفاده از نظر کارشناسان در این حوزه و تأیید آن، پرسش‌نامه در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا به سؤالات پاسخ دهند. سپس برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق استفاده شد. مهم‌ترین دلیل انتخاب این روش این بود که «در مصاحبه عمیق علاقه به تفهیم تجربه افراد دیگر و معنایی که آنها

به این تجربه می‌بخشند وجود دارد» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۴۳). مصاحبه عمیق این امکان را به محقق می‌دهد که به عمق موضوع مورد مطالعه دست یابد و همچون معدنچی که درصدد دست‌یابی به فلزی دفن شده در اعماق زیر زمین است، در پی دستیابی به معرفت از درون سوژه مورد نظر خود باشد. حُسن دیگر مصاحبه عمیق در گفت‌وگوی طولانی مدت با مخاطبان این است که باعث می‌شود محقق به درون زیست جهان آنان وارد و در تجربه آنها سهیم شود. با توجه به محدودیت زمان و پراکندگی اخبار، برای انتخاب اخبار از نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. از بین هفته‌های دو ماه اول سال یعنی فروردین و اردیبهشت، یک هفته به صورت تصادفی انتخاب و در این یک هفته، دو روز را به طور اتفاقی انتخاب کردیم. سپس از اخبار این دو روز، اخبار مهم که برجسته بودند؛ یعنی اخباری که برای مخاطبان خیلی مهم و همه مخاطبان به آن علاقه‌مند و هرروزه پیگیر آن بودند مانند برنامه هسته‌ای، انتخاب شد. سپس برای تحلیل متن اخبار انتخاب‌شده، روش نشانه‌شناسی ساخت‌گرا را برای مشخص کردن رمزگان مرجح به کار بردیم. هدف از تحلیل نشانه‌شناسی معلوم کردن آن لایه‌های معانی رمزگذاری‌شده‌ای است که در ساختار متن وجود دارند (محمدی و کریمی، ۱۳۹۰: ۵۴).

محققان برای انتخاب و سنجش نگرش سیاسی گروه‌های مورد بررسی به نظریات پژوهش مراجعه کردند و بر اساس اهداف نظری، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای صورت گرفت. در این تقسیم‌بندی سه نوع نگرش سیاسی محافظه‌کاری، نگرش سیاسی میانه‌رو و نگرش سیاسی لیبرال مشخص شد. پس از پاسخ مخاطبان و ورود داده‌ها به نرم‌افزار SPSS، گویه‌ها شاخص‌سازی شدند، سپس حداقل و حداکثر نمره‌ای که اعضای نمونه می‌توانستند کسب کنند محاسبه شد. حداقل این نمرات ۲۳ و حداکثر آن ۱۱۵ بود. به‌علت نزدیکی نمرات کسب‌شده توسط مخاطبان به نگرش سیاسی لیبرال و نگرش سیاسی محافظه‌کاری، نگرش میانه‌رو از پژوهش حذف شد و آنان به دو گروه تقسیم شدند؛ به عبارتی به خاطر عدم کسب نمره، مخاطبان دارای نگرش میانه‌رو در دو گروه متمایل به محافظه‌کار و متمایل به لیبرال پخش شدند. آنها در قالب دو دسته کدگذاری مجدد^۱ شدند؛ نمره کمتر از ۶۹ بیانگر تمایل به گرایش





محافظه‌کاری و نمره بیشتر از ۷۰ بیانگر گرایش به لیبرالیسم بود. مراجعه به برخی پژوهش‌های مشابه نیز نشان می‌دهد که آنها نیز از الگوی تقسیم‌بندی دوگانه استفاده کرده‌اند.^۱ در انتخاب جامعه هدف سه گروه دانشجویان، طلاب و معلمان انتخاب شده‌اند. هر سه گروه، از گروه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه‌اند که دارای بافت و زمینه اجتماعی متفاوتی هستند. دانشجویان در فضایی دانشگاهی و علمی، معلمان در فضایی آموزشی-پرورشی و علمی و روحانیون در فضایی مذهبی و حوزوی تعلیم دیده‌اند. علاقه‌مندی به مسائل مختلف (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و...) آنها را در زمره گروه‌های فعال‌تر در جامعه قرار می‌دهد و انتظار می‌رود که بیشتر از دیگران رسانه را به‌طور عام و برنامه خبری ۲۰:۳۰ را به‌طور خاص دنبال کنند. به‌منظور تعیین نگرش سیاسی دانشجویان، طلاب و معلمان، از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. در این پژوهش برای انتخاب نمونه، در گام اول از نمونه‌گیری اتفاقی (به چه کسی رجوع کنم) و در گام دوم از نمونه‌گیری گلوله برفی که خاص تحقیقات کیفی و میدانی است، استفاده شد. «در این نوع نمونه‌گیری نمی‌توان از پیش به‌طور قطع معلوم کرد که به چه تعداد نمونه نیاز داریم. نمونه‌ها باید طوری انتخاب شوند که بیشترین روشنایی بخشی را برای نظریه ما در بر داشته باشند و تا رسیدن به اشباع نظری به مصاحبه ادامه خواهیم داد. اشباع نظری نقطه‌ای است که در آن به تصویری تقریباً کامل از واقعیت مورد مطالعه می‌رسیم» (آزاد ارمکی و محمدی، ۱۳۸۵: ۱۲).

یافته‌های تحقیق

تلویزیون رسانه‌ای فراگیر در جامعه است. در این میان، اخبار به‌طورکلی و برنامه خبری ۲۰:۳۰ به‌طورخاص جایگاه حساس و مهمی در میان برنامه‌های تلویزیون دارند. در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به‌رغم وجود شبکه‌های متفاوت خبری و متنوع، به نظر می‌رسد تنها یک منبع پخش خبر وجود دارد و آن واحد مرکزی خبر است. آنچه مهم تلقی می‌شود این است که فهم گروه‌های اجتماعی مختلف برای مواجهه با آن چگونه است. اگرچه متون خبری را دست‌اندرکاران رسانه‌ای تولید می‌کنند، اما این مخاطبان هستند که با

۱. برای اطلاعات بیشتر به این دو مقاله رجوع کنید: (افشانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ کسرایی و وردی‌زاده، ۱۳۸۹)

رمزگشایی از آن به متن خبری جان می‌بخشد. متون خبری از یک سو همواره نقشی را برای مخاطبان خود تعریف می‌کنند و از سوی دیگر مخاطبان هم گرایش‌های خاص خود را دارند. از آنجایی که هیچ‌یک از این دو طرف به‌طور کامل مغلوب همدیگر نمی‌شوند، همیشه بین آنها تنش وجود دارد.

در بخش روش‌شناسی همان‌طور که قبلاً ذکر شد، محققان اخبار برنامه خبری ۲۰:۳۰ را به مدت دو ماه گردآوری کردند و در ادامه از طریق نمونه‌گیری تصادفی اخبار یک هفته، و از این یک هفته نیز اخبار دو روز به‌صورت اتفاقی گزینش و از بین آنها، رمزگان مسلط اخبار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی استخراج شد. بر اساس نشانه‌شناسی ساختارگرا رمزگان مرجح حاکم بر این برنامه، شامل موارد زیر است:

- تلاش برای ایجاد ائتلافی جهانی علیه ایران
- استثمار و غارت ملت‌های مظلوم توسط امریکا و هم‌پیمانانش
- آنها (غرب و امریکا) زورگو و دورو و غیرقابل اعتماد هستند.
- تهاجم فرهنگی امریکا و همدستانش علیه ما
- ترویج حقوق بشر اسلامی و دفاع از آن
- مقابله با پیشرفت در کشور به هر بهانه‌ای
- سکوت در برابر کشتار کشورهای هم‌پیمان غرب به‌ویژه سکوت در برابر جنایات صهیونیست‌ها

- ظالم و جنایتکار بودن آنها (امریکا، اسرائیل، غرب).
- دخالت در امور اوکراین و سعی در برهم زدن نظم کشور اوکراین
- نقش بیداری‌بخش سیاست‌های ایران در سطح منطقه و جهان
- تضعیف و منزوی شدن روزبه‌روز قدرت‌های استعمارگری
- ما در حال پیشرفت روزافزون هستیم و آنها می‌خواهند جلوی پیشرفت ما را بگیرند.

رمزگشایی دانشجویان از برنامه خبری ۲۰:۳۰

دانشجویان به‌عنوان بخشی از نخبگان در فضای سیاسی کشور که علاقه‌مند به کسب اطلاعات و اخبار از اوضاع و احوال جامعه، منطقه و جهان هستند دسترسی بیشتری به رسانه‌ها دارند و بسیاری از حوادث و اخبار روزانه را پیگیری می‌کنند.



جدول شماره ۱. مشخصات زمینه‌ای دانشجویان شرکت‌کننده در مصاحبه عمیق

مشخصات کد	استفاده از اینترنت	استفاده از ماهواره	شبکه‌های اجتماعی	خواندن روزنامه	سرمایه فرهنگی	تحصیلات	نگرش سیاسی ^۱
A	بله	خیر	بله	بله	بالا	کارشناسی ارشد	محافظه‌کار
B	بله	بله	بله	بله	بالا	کارشناسی	لیبرال
C	بله	بله	بله	بله	متوسط	کارشناسی ارشد	لیبرال
D	بله	بله	بله	بله	بالا	کارشناسی ارشد	لیبرال
E	بله	بله	بله	خیر	متوسط	کارشناسی ارشد	لیبرال
F	بله	خیر	خیر	بله	پایین	کارشناسی	محافظه‌کار
G	بله	بله	بله	بله	متوسط	کارشناسی	لیبرال
H	بله	بله	بله	بله	بالا	کارشناسی ارشد	لیبرال
I	بله	بله	بله	بله	بالا	کارشناسی ارشد	لیبرال
J	بله	بله	بله	خیر	متوسط	کارشناسی	لیبرال
K	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	کارشناسی	محافظه‌کار
L	بله	خیر	بله	بله	پایین	کارشناسی	محافظه‌کار
M	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	کارشناسی	محافظه‌کار
N	بله	بله	بله	بله	بالا	کارشناسی ارشد	لیبرال
O	بله	بله	بله	بله	متوسط	کارشناسی	لیبرال
P	بله	بله	بله	بله	بالا	لیسانس	لیبرال
Q	بله	بله	بله	بله	متوسط	لیسانس	لیبرال



فصلنامه علمی- پژوهشی

۴۸

دوره هشتم
شماره ۲
تابستان ۱۳۹۴

۱. درباره نحوه تقسیم‌بندی مخاطبان به دو گروه متمایل به نگرش محافظه‌کار و متمایل به نگرش لیبرال به صفحه ۱۶ همین مقاله رجوع کنید.

بخشی از مصاحبه‌های مربوط به خبرها مرتبط با عدم اعتماد به غرب و امریکا و تشکیل ائتلاف علیه ایران، تهاجم فرهنگی، پیشرفت در زمینه‌های مختلف، سکوت کشورهای عربی در قبال حوادث منطقه از جمله تهاجم رژیم صهیونیستی در ادامه آمده است:

«قبول دارم این‌ها حقوق مارو نادیده می‌گیرن و راضی نیستن و میگن ما نمی‌خوایم اون حقوق رو به دست بیاریم. اینو آدم به عینه داره می‌بینه که درصدد هستن یه ائتلاف علیه ما تشکیل بدن» (کد A).

«اولاً هر کشور توی دنیا توی عرصه سیاسی دنبال منافع خودشه. من این رو به‌طور کامل قبول ندارم چون ابزار قدرت در دست اون‌هاست چه از نظر وجه جهانی و چه از لحاظ نفوذ در کارتل‌های دنیا و تبلیغات دنیا، قدرت در دست اوناست. و اون نفوذشون خیلی بیشتره و دنیای امروز دنیای تبلیغه. اینکه بگیم نباید بهشون اعتماد کنیم در دنیای امروز حرف بی‌پایه‌ای هست و باید با همه کشورها در ارتباط باشیم در چارچوب منافع ملی خودمون» (کد B).

«امروزه دنیا یک دهکده جهانی شده و اصلاً همیشه روابط رو در سطح بین‌المللی انکار کرد. خیلی از همسایه‌های ما هستن که باهاشون دوست هستیم و روابط خوبی هم داریم اما اینا بیشتر بما تجاوز و خیانت کردن. این دلیل همیشه که بگیم امریکا و غرب و فلان غیرقابل اعتمادن. بالاخره امریکا به دنبال منافع خودش هست و ما هم باید دنبال منافع خودمون باشیم، اما بدون ارتباط و رابطه این کار اصلاً امکان‌پذیر نیست» (کد E).

«آدمی مثل من چند تا قضیه رو مثل قضیه ایران‌گیت، قطعنامه ۵۹۸، جنگ، سکوهایی نفتی، کودتای ۲۸ مرداد، تعلیق سال ۸۲ و قضیه‌های دیگه رو خوندم این اتفاقا رو می‌بینم یه تحلیل واسه خودم دارم و این دیدی که دارم حداقل یه دیدی که دربارش تا حدودی خوندم و می‌دونم که نباید بهشون اعتماد کنیم» (کد K).

«درباره تهاجم فرهنگی این امر داره اتفاق می‌افته و اون‌ها هم به‌شدت در موردش برنامه‌ریزی کردن و دارن روش کار می‌کنن و چون جمعیت کشور ما جویون هست رو این دارن کار می‌کنن و کشور ما هم پذیرای این فرهنگ اونور آب هست. باید خیلی بیشتر کار بکنیم درباره مسائل فرهنگی مان که بتونیم جلوی این تهاجم رو بگیریم. از طریق ساخت برنامه‌های مفید» (کد A).





«به نظر من تهاجم فرهنگی فقط مختص کشور ما نیست، بلکه توی همه کشورها انجام میدن. نمی‌گیم که کشور ما چون اسلامیه فقط به خاطر کشور ما هست نه اونا دوست دارن به خاطر ابرقدرت بودن فرهنگ و ارزش خودشونو در همه جوامع مستقر کنن. به نظر من برای مقابله با این پدیده باید سواد افراد رو بالا ببریم تا بتونن تشخیص بدن» (کد D).

«بین اینکه بخوایم در مقابل تهاجم فرهنگی بیاستیم بستگی داره به اون فرهنگ و هویت موجود خودت که در جامعه تولید می‌کنی. بستگی داره که افراد چه انتخابی می‌کنن. اگه فرهنگ و هویت رو از دولتی بودن خارج کنیم و بگذاریم که جامعه خودش فرهنگش، خودش هویتش رو سازمان بده، خودش رو تعیین کنه شاید اگه یه برنامه‌ای هم پخش میشه یه فرصت برای تجدید هویت نه یک خطر. این بستگی داره باید دست دولت رو از فرهنگ کوتاه کرد. چون دولت ثابت کرده که در حوزه فرهنگ یک سرپرست و کارگزار خوبی نیست همون‌طور که باید در اقتصاد دستش رو کوتاه کنه» (کد I).

«میخوان طوری جا بیاندازن که افراد نسبت به وضع جامعه‌شون بی‌خیال بشن. دغدغه‌های فرهنگی خیلی مهمه و حضرت آقا خیلی روش تأکید کردن و گفتن که من حاضریم در این راه خودم سردمدار بشم. فرهنگ آن‌قدر اهمیت داره. وقتی که فرهنگ یه کشور رو بزمن قطعاً عقاید اون کشور رو می‌زنن» (کد M).

«پیشرفت تا حدودی مثلاً قدرت نظامی به صورت خیلی محدود بوده چون الان مثلاً از لحاظ نظامی پاکستان از ما قوی‌تره، ترکیه از ما قوی‌تره. اما در زمینه‌ها دیگه اینطور نیست. خب در زمینه علمی مقالات ما خیلی زیاد شده اما کو که این مقالات به کار ما بیاد. زمینه‌های کارافزایی اصلاً در جامعه ما نیست» (کد B).

«چه پیشرفتی. ما که هنوز واردات مون بیشتر از صادرات مونیه. عقب‌ماندگی مون به نسبت بقیه اگه بخوای حساب کنی بیشتر از روزای قبل میشه. سطح زندگی مردم روزبه‌روز پایین‌تر میاد. کارتون خواب مون پارسال ۲۰۰ نفر بوده امسال شده ۵۰۰ نفر. چه پیشرفتی. حالا بله تو یکی دو مورد یه پیشرفتی داریم حالا مثلاً تو بحث دفاعی، اونم به چه قیمتی، با چه هزینه‌ای، با چه بودجه کشور به دست اومده» (کد C).

«پیشرفت باید نتیجه ملموس و عینی داشته باشه. اما من اینارو در زمینه علم نمی‌بینم چون واقعیت یه چیز دیگه‌ای رو نشون میده. ولی زوم ما بیشتر روی هسته‌ایه که همیشه

فقط با این مورد گفت که پیشرفت داشتیم. جامعه پراز بیکاره و آگه پیشرفت کرده بودیم در همه نقاط کشور کارخانه صنعتی داشتیم و همه می رفتن کار می کردن» (کد D).

«توی بخش های مختلف زیاد بوده. میشه گفت ما یه زمانی توی بخش هسته ای از کشورهایمانند آلمان زمان جنگ التماس می کردیم که آلمان به ما کمک کنه تا راکتور آب سبک هسته ای رو توی بوشهر راه بیاندازیم و ما آب سنگین رو توی اراک راه انداختیم. فوردو رو توی قم راه انداختیم. میشه گفت توی بخش علمی پیشرفت زیاد داشتیم. من خودم حتی توی بخش زیست فناوری تحقیق کردم و اونجا به دستاوردهای خیلی بزرگی رسیدیم» (کد M).

«سکوت کشورهای عربی هم به خاطر منافع شونه که وابسته ست به امریکا و غرب. آگه اونا بخوان سکوت خودشون بشکنن هم در داخل کشورهای خود دچار انواع مشکلات و بحران ها میشن و هم در بیرون ممکن است با تحریم غرب و امریکا مواجه بشن که منافع ملی شون به خطر بیوفته» (کد B).

«من خیلی شناختی راجع به کشورهای عربی ندارم و خیلی هم علاقه ندارم بدونم موضوع شون چیه. فقط می دونم که خیلی نقشی توی دنیای امروز ندارن. مثلاً قدرتمندترین نشون عربستان و قطر. که خیلی تأثیری توی دنیا ندارن. شاید آگه نفتی نداشته باشن شاید هیچ تأثیری نداشته باشن» (کد N).

«کشورهای عربی هم دارن الان با سکوت خودشون منافع ملت شون رو به دست میارن و توی کشور خودشون راحت و با رفاه زندگی می کنن. بعد قدرتش رو ندارن که بخوان سکوت نکنن. الان همشون وابسته به اسرائیل ان که پشتشون امریکا وایساده» (کد H).

تیپ اجتماعی اول

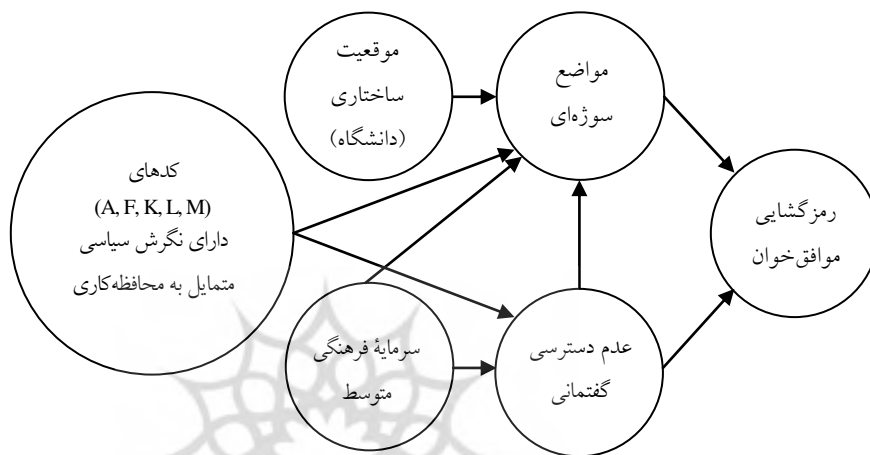
از بین این هفده مصاحبه صورت گرفته کدهای (A, F, K, L, M) دارای نگرش سیاسی متمایل به محافظه کاری بودند. همه آنها به اینترنت دسترسی داشتند و در کنار برنامه خبری ۲۰:۳۰، اخبار را از اینترنت نیز زیاد پیگیری می کردند. کدهای مذکور بیشتر به وبگاه هایی مثل فارس، تسنیم، نسیم، مهر، افق، بهار، صراط، مشرق، همشهری، عصر ایران رجوع می کردند. در مورد وبگاه های خارجی فارسی زبان مانند





بی بی سی، صدای امریکا و رادیو فردا، باید گفت که این افراد به علت عدم دسترسی، فیلتر بودن و یا عدم قبول مطالبی که آنها ارائه می کنند، تمایل زیادی به دنبال کردن اخبار از این منابع نداشتند. علاوه بر اینترنت، اخبار را از روزنامه ها نیز می خوانند و بیشتر علاقه مند به روزنامه هایی مانند جام جم، کیهان و اطلاعات بودند. از بین کدها، کدهای (A, L) از شبکه های اجتماعی استفاده می کنند و بقیه عضو شبکه های اجتماعی نیستند. این گروه از دانشجویان به شبکه ها ماهواره ای دسترسی ندارند و علاقه ای نیز به پیگیری اخبار از شبکه های خارجی فارسی زبان ندارند و معتقدند که آنها اخبار را وارونه و خلاف واقع بیان می کنند. انتقاداتی که به برنامه خبری ۲۰:۳۰ دارند بیشتر در چارچوب گفتمان مسلط و مربوط به مسائل جزئی مانند کم بودن وقت آن و فرصت نداشتن برای پوشش همه اخبار است. این دانشجویان معمولاً در خانواده هایی با پیشینه مذهبی و سنتی پرورش یافته اند، دارای سرمایه فرهنگی متوسط هستند و درآمد چندانی هم ندارند. موقعیت ساختاری دانشگاه، موقعیتی متکثر و دارای فضایی چندگفتمانی است و بر اساس آن دانشجویان مواضع سوژه ای متکثری اخذ می کنند. کدهای (A, F, K, L, M) به علت عدم دسترسی به گفتمان های مخالف که از خلال دسترسی به رسانه های دیگر صورت می گیرد و همچنین به خاطر داشتن نگرشی متمایل به محافظه کاری، بیشتر در چارچوب گفتمان مرجح در جامعه فکر کنند و مطالبی را که از برنامه خبری ۲۰:۳۰ به مثابه گفتمان مسلط پنخس می شود، قبول دارند و هر آنچه مخالف این نوع گفتمان باشد، زایدۀ توطئه جهانی می دانند و به هیچ عنوان آن را قبول نمی کنند. مثلاً در رابطه با پیشرفت کشور اتفاق نظر دارند که ما در همه زمینه ها پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته ایم و این پیشرفت را مدیون اتکا به خود و عدم وابستگی به کشورهای دیگر هستیم که همین امر نشان دهنده پیشرفت قابل ملاحظه در جامعه بوده است. «موقعیت ساختاری فرصت های زندگی افراد را شکل می دهد. این ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی افراد را تحت الزام درمی آورند و موقعیت آنها را شکل می دهند. به پیروی از گرامشی می توان گفت که هیچ کس موقعیت های ساختاری خود را به صورت مستقیم و بلاواسطه تجربه نمی کند. تنها از طریق گفتمان های سیاسی است که می توانیم موقعیت خود را در چارچوب این ساختار تجربه کنیم» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۵: ۱۳۹). دانشجویان

محافظه کار بر اساس موقعیت ساختاری ای که در دانشگاه کسب کرده‌اند، همچون عضویت در انجمن‌ها و نهادهای دارای قرائت گفتمان حاکم، عدم دسترسی به گفتمان‌های رقیب و غیره، موضع سوژه‌ای هم‌خوان و مطابق با گفتمان مسلط را پذیرفته‌اند و بر اساس آن فکر و عمل می‌کنند.



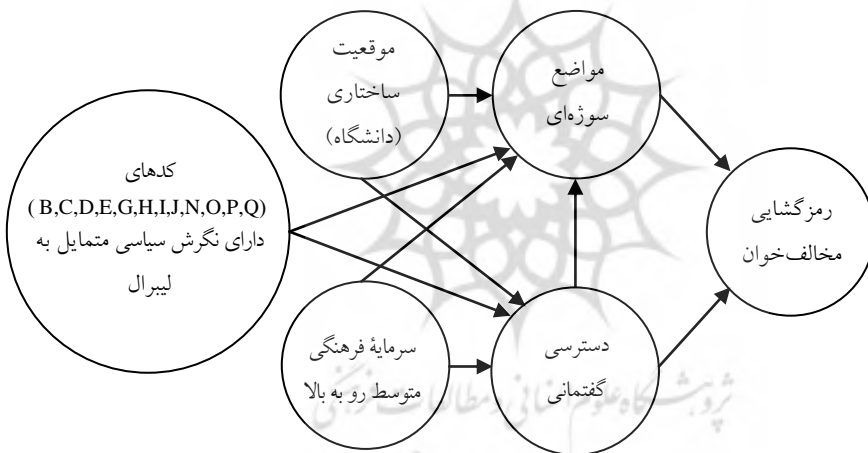
مدل ۱: الگوی رمزگشایی دانشجویان متمایل به نگرش سیاسی محافظه کار

تیپ اجتماعی دوم

این گروه از دانشجویان نگرشی متمایل به لیبرال دارند و علاقه‌مند به اخبار و آگاهی از اوضاع و احوال جامعه خود هستند. آنها به پیگیری اخبار از اینترنت علاقه دارند و به اکثر وبگاه‌های داخلی از قبیل فرارو، تابناک، گویا، ایسنا، مهر، افکار نیوز، فارس، مشرق، بهار و خبر آنلاین، مراجعه می‌کنند. علاوه بر وبگاه‌های داخلی به خبرگزاری‌هایی مانند بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا، رادیو فردا و یورونیوز فارسی نیز علاقه‌مند هستند. روزانه اخبار را از روزنامه‌هایی مانند آفتاب یزد، مردمسالاری، شرق، اعتماد، جام جم و اطلاعات می‌خوانند. در کنار ۲۰:۳۰، اخبار را از شبکه‌های ماهواره‌ای نیز تماشا می‌کنند و معتقدند که خبرگزاری‌های خارجی به‌علت وابسته نبودن به گروه یا جناحی خاص، بسیار مستقل‌تر از برنامه خبری ۲۰:۳۰ هستند. انتقادات جدی نیز به برنامه خبری ۲۰:۳۰ هم از نظر محتوایی و هم از نظر فنی وارد می‌دانند. دسترسی گفتمانی در بین آنها باعث شده است که اخبار ۲۰:۳۰ را زیاد قبول نداشته باشند و معتقدند این برنامه بسیاری از اخبار را تحریف‌شده و به‌صورت غیرواقعی به مخاطبان خود القا



می‌کند. محتوای خبر را بیشتر ایدئولوژیک و سوءگیرانه می‌دانند و بر این باورند که این بخش خبری می‌خواهد با تک‌صدایی خود در جامعه، سوژه‌های مورد نظر خود را اقناع کند. اکثر کدهای (B, C, D, E, G, H, I, J, N, O, P, Q) دارای سرمایه فرهنگی متوسط روبه‌بالا هستند و نگرشی تحول‌خواه و نواندیش به مسائل دارند. با نگاه سستی به مسائل مشکل‌ج‌دی دارند و به رویکردهای نوین در حل مسائل و مشکلات اعتقاد دارند. موقعیت دانشجویان در ساختار دانشگاهی متأثر از فضای گفتمان تحول‌خواه و ترقی‌خواه حاکم بر آنجاست. دانشگاه عرصه‌ی منازعات گفتمانی است و بر مبنای موقعیت‌ساختاری دانشجویان، موضع سوژه‌ای مخالف با گفتمان غالب در آنجا را اتخاذ می‌کنند. این موضع سوژه‌ای تنها از خلال موقعیت‌ساختاری اتخاذ نمی‌شود، بلکه در کنار عواملی همچون نگرش سیاسی لیبرال، سرمایه فرهنگی و دسترسی گفتمانی است که معنا می‌یابد.



مدل ۲: الگوی رمزگشایی دانشجویان متمایل به نگرش سیاسی لیبرال

رمزگشایی معلمان

معلمان یکی دیگر از اقشار مهم اجتماعی و فرهنگی در جامعه هستند که نقش بسزایی در آموزش و تربیت دانش‌آموزان بر عهده دارند. این گروه از مخاطبان بسیار پیگیر اخبار و اطلاعات هستند و دوست دارند که از اوضاع اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه خود مطلع باشند و به همین خاطر علاقه زیادی به کسب اخبار از منابع متعدد دارند.



جدول شماره ۲: مشخصات زمینه‌ای معلمان شرکت‌کننده در مصاحبه

مشخصات کد	استفاده از ایترنت	استفاده از ماهواره	شبکه‌های اجتماعی	خواندن روزنامه	سرمایه فرهنگی	تحصیلات	نگرش سیاسی
A	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	کارشناسی ارشد	محافظه‌کار
B	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	کارشناسی ارشد	محافظه‌کار
C	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	کارشناسی	محافظه‌کار
D	بله	خیر	بله	بله	متوسط	کارشناسی	محافظه‌کار
E	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	کارشناسی	محافظه‌کار
F	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	دیپلم	محافظه‌کار
G	بله	خیر	بله	خیر	بالا	کارشناسی	محافظه‌کار
H	بله	خیر	خیر	بله	بالا	کاردانی	محافظه‌کار
I	بله	خیر	بله	بله	متوسط	کارشناسی	محافظه‌کار
J	بله	خیر	بله	بله	متوسط	کاردانی	محافظه‌کار



بخشی از مصاحبه‌های مربوط به خبرهای مرتبط با عدم اعتماد به غرب و امریکا و تشکیل ائتلاف علیه ایران، تهاجم فرهنگی، پیشرفت در زمینه‌های مختلف، سکوت کشورهای عربی در قبال حوادث منطقه از جمله تهاجم رژیم صهیونیستی در ادامه آمده است: «نباید بهشون اعتماد کنیم. نمونش همین حوادثیه که توی فرگوسن اتفاق افتاد. ادعای حقوق بشری می‌کنن اما خودشون کاملاً زیر پا می‌ذارن بعد میگن توی ایران حقوق بشر نقض شده. اونا نمی‌تونن در این ائتلاف موفق باشن. همین مذاکرات هسته‌ای نشون داده که ما به کشوری هستیم که در برابر شش قدرت جهانی داریم مذاکره می‌کنیم» (کد C).

«باید در چارچوب منافع ملی کارهای خودمون رو پیش ببریم. شاید روزی هم با امریکا ارتباط داشته باشیم اما به این معنا نیست که بهشون اعتماد کنیم. این ائتلافی هم که علیه ما تشکیل دادن می‌خوان با این کار جلوی پیشرفت ما رو بگیرن. حالا یه روز برنامه هسته‌ای و یه روز چیز دیگه میگن. اما خب این چیزا طبیعیه چون ما هم داریم در سطح بین‌الملل کار خودمونو می‌کنیم و با افشاگری‌هایی که علیه غرب و اسرائیل کردیم ماهیت واقعی اونا برای خیلی از کشورها آشکار شده» (کد G).



«صددردصد پیشرفت داشتیم. الان اونا دارن قدرت مارو هم توی جهان و هم توی منطقه می بینن. سعی دارن که جلوی این پیشرفت رو بگیرن. پیشرفت توی زمینه پزشکی خیلی معلومه، توی زمینه صنعتی، توی اینا پیشرفت کردیم» (کد E).

«کاملاً این پیشرفت ملموسه. الان از لحاظ نظامی، از لحاظ ساخت دارو، توی مباحث انرژی هسته‌ای و از لحاظ مقابله با تحریم پیشرفت داشتیم» (کد C).

«پیشرفت داشتیم توی حوزه علمی رسیدیم به رتبه شانزدهم. توی همه زمینه‌ها درسته پیشرفت نداشتیم. الان توی نظامی ۱۰۰ درصد پیشرفت داشتیم. اما توی کشاورزی وابسته دنیاایم. کشوری که چهار فصله چرا باید این همه واردات داشته باشه. توی این زمینه پیشرفت نداشتیم» (کد J).

«این تهاجم فرهنگی رو قبول دارم. الان با این ماهواره‌هایی که هست و این رسانه‌ها که در دست شونه می‌خوان فرهنگ خودشون رو ترویج بدن. اما ما خودمون هم یه سری مشکلات داریم. مثلاً آگه یه سری اجبارات رو کنار بذاریم و به جاش بیایم روی فرهنگ کهن خودمون تأکید کنیم این بهتر جواب میده» (کد H).

«الان با این فیلم‌های هالیوودی که می‌سازن میشه اینا رو دید. یه طوری شده که جوان‌ها از ازدواج فرار می‌کنن، الان معضل اجتماعی که وارد کشور شده ازدواج سفیده^۱» (کد J).

«سکوت کشورهای عربی به خاطر نفع شون. دارن استفاده می‌کنن و کلی پول کلان می‌زنن به جیشون» (کد A).

«اونا سکوت می‌کنن که بازارهای اسرائیل رو از دست ندن، بازارهای اروپا رو از دست ندن. اونا بیشتر در جهت تأمین منافع خود و غرب حرکت می‌کنن» (کد C).

«سکوت کشورهای عربی ناشی از فرهنگ اوناست که آدمای ترسویی هستن و به واسطه منابع زیرزمینی و نعمات الهی که در اختیار اینا قرار گرفته دارن می‌خورن، خرج می‌کنن و رفاه طلب شدن» (کد D).

«کشورهای عربی تابع امریکان، تابع اسرائیل. متکی به اونان دیگه و موقعی که از اونا تبعیت می‌کنن نباید انتظار داشته باشیم که سکوت نکنن» (کد E).

۱. White Marriage تشکیل زندگی مشترک زن و مرد زیر یک سقف بدون این که رسمیت داشته باشد. یعنی بدون

این که خطبه عقد یا صیغه بین آنها جاری شده باشد. معمولاً این اتفاق با آگاهی خانواده هر دو طرف صورت می‌گیرد.

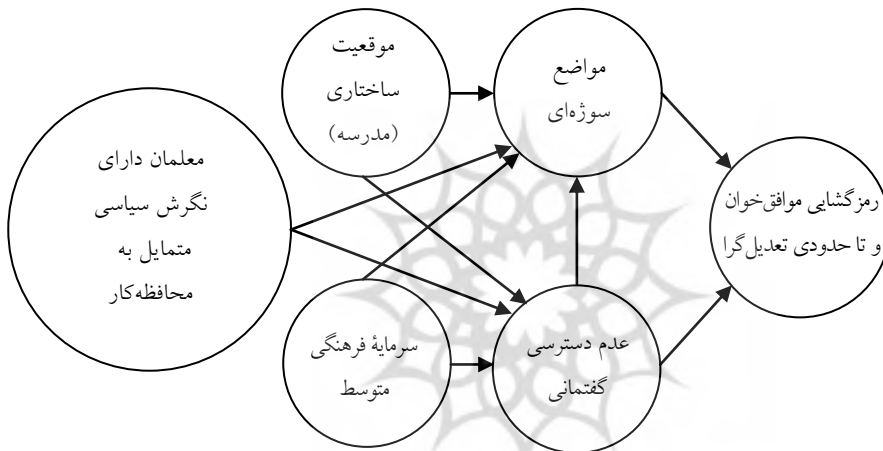
«کشورهای عربی نگاه نمی‌کنند مثلاً کشور فلسطین به کشور مسلمانان و باید ارزش حمایت کنند. او را به خاطر ترس از اسرائیل و ترس از اینکه منافع مادی خودشون رو از دست بدن معمولاً سعی می‌کنند که سکوت کنند» (کد F)

تیپ اجتماعی معلمان

ده مورد از مصاحبه‌ها به معلمان اختصاص داشت که همگی دارای نگرش سیاسی متمایل به محافظه‌کاری بودند. انتخاب ده نفر از معلمان به این دلیل بود که محققان در دو مصاحبه آخر متوجه شدند که دیگر داده‌های جدیدی به دست نمی‌آید و به اشباع نظری رسیدند. همه آنها در کنار برنامه خبری ۲۰:۳۰ اخبار را از اینترنت نیز پیگیری می‌کنند و بر اساس فرصتی که دارند روزانه بین نیم تا یک ساعت از وقت خود را به خواندن اخبار از اینترنت اختصاص می‌دهند. بیشتر به وبگاه‌هایی از قبیل تابناک، رجانیوز، سایت الف، فارس و انتخاب علاقه‌مند هستند و به وبگاه‌های خارجی فارسی‌زبان تمایل چندانی ندارند و معتقدند که این وبگاه‌ها خبرهایی پخش می‌کنند که بیشتر به ضرر ایران است و بسیار اغراق‌آمیز هستند. همچنین علاقه‌مند به خواندن اخبار از صفحات روزنامه‌ها نیز هستند و روزنامه‌هایی را که به مدرسه آورده می‌شود، روزانه مرور می‌کنند. این روزنامه‌ها شامل ایران، همشهری، جمهوری و کیهان بودند. بیشتر مسائل اقتصادی و فرهنگی جامعه برای آنها در اولویت قرار دارد و مسائل دیگر در رتبه بعدی قرار دارند. بسیاری از آنها وجود شبکه خصوصی در کشور را ضروری نمی‌دانند و معتقدند که همین شبکه‌های موجود اخبار را به خوبی منعکس می‌کنند و نیازی به هزینه کردن زیاد نیست. معلمان کمتر دسترسی به شبکه‌های ماهواره‌ای داشتند و بیشتر ترجیح می‌دادند که اخبار را از اینترنت یا روزنامه‌ها جست‌وجو کنند. آنها کمتر تمایل به عضویت در شبکه‌های اجتماعی دارند و برخی نیز که عضو شبکه‌های اجتماعی‌اند اخبار را از آنجا مرور نمی‌کنند و بیشتر از نرم‌افزارهای وایبر یا واتس‌آپ برای پیام دادن استفاده می‌کنند. آنها بر اساس شرایط و موقعیتی که دارند بیشتر به ارزش‌های اسلامی پایبند و تابع وضع موجود بودند. بیشتر دارای سرمایه فرهنگی متوسط و تا حدودی بالا هستند. بیشتر انتقادات آنها شامل مسائل اقتصادی، آموزشی و مسائل فرهنگی از جمله حجاب است و بسیاری از سیاست‌های موجود را قبول دارند.



انتقاداتی که به خود برنامه خبری ۲۰:۳۰ داشتند بیشتر در حیطه مسائل فنی و تزئینی بود و درباره محتوای خبر متفق القول بودند که اخبار دارای سندیت است. از نظر آنها برنامه خبری ۲۰:۳۰ در مقایسه با بخش‌های خبری دیگر، بهترین بخش خبری موجود است و اخبار را صادقانه و بی‌طرفانه برای جامعه بازگو می‌کند و با خبرها و تحلیل‌های پخش شده موافق هستند و رمزگشایی موافقی از برنامه‌ها دارند و در مواردی محدودتر، مثلاً درباره پیشرفت جامعه نظری معتدل‌تر دارند و معتقدند که هنوز ظرفیت برای پیشرفت وجود دارد؛ به عبارتی نوعی رمزگشایی تعدیل‌گرا از اخبار دارند.



مدل ۳: الگوی رمزگشایی معلمان متمایل به نگرش سیاسی محافظه کار

رمزگشایی طلاب

طلاب گروه دیگری هستند که در این پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. حوزه علمیه نهادی است که درصدد آموزش و تربیت طلاب در عرصه‌های مختلف زندگی است. این گروه در قبال حوادثی که در پیرامون آنها رخ می‌دهد، بی‌تفاوت نیستند و در زمینه این حوادث و رخدادها ماجراجو و پیگیر اخبار از اوضاع و احوال خود هستند. این گروه بر اساس پای‌بندی به ارزش‌های اسلامی و تحلیل موضوعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از دریچه مذهبی و اسلامی، نگاهی ذات‌گرایانه - تحلیل مسائل از یک نقطه نظر - به مسائل دارند.



جدول شماره ۳: مشخصات طلبات شرکت کننده در مصاحبه

مشخصات کد	استفاده از ایترنت	استفاده از ماهواره	شبکه‌های اجتماعی	خواندن روزنامه	سرمایه فرهنگی	تحصیلات	نگرش سیاسی
A	بله	خیر	خیر	بله	پایین	سطح ۴	محافظه کار
B	بله	خیر	خیر	بله	پایین	سطح ۱	محافظه کار
C	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	سطح ۲	محافظه کار
D	خیر	خیر	بله	خیر	پایین	سطح ۳	محافظه کار
E	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	سطح ۲	محافظه کار
F	خیر	خیر	خیر	بله	پایین	سطح ۲	محافظه کار
G	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	سطح ۲	محافظه کار
H	بله	خیر	خیر	بله	بالا	سطح ۳	محافظه کار
I	خیر	خیر	خیر	بله	متوسط	سطح ۴	محافظه کار
J	خیر	خیر	بله	بله	پایین	سطح ۲	محافظه کار
K	بله	خیر	بله	بله	متوسط	سطح ۳	محافظه کار
L	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	سطح ۳	محافظه کار
M	خیر	خیر	خیر	بله	متوسط	سطح ۲	محافظه کار
N	بله	خیر	خیر	بله	متوسط	سطح ۲	محافظه کار
O	بله	خیر	خیر	خیر	پایین	سطح ۲	محافظه کار



فصلنامه علمی- پژوهشی

۵۹

بررسی رابطه میان
نگرش سیاسی ...

بخشی از مصاحبه‌های مربوط به خبرهای مرتبط با عدم اعتماد به غرب و امریکا و تشکیل ائتلاف علیه ایران، تهاجم فرهنگی، پیشرفت در زمینه‌های مختلف، سکوت کشورهای عربی در قبال حوادث منطقه از جمله تهاجم رژیم صهیونیستی در ادامه آمده است: «اونا یه سری چیزا رو پخش میکنن که برخلاف عقاید ما مسلمان‌ها است. وقتی این مسائل رو می‌بینیم که اونا برخلاف عقاید و نظریات ما دارن کار می‌کنن، هزینه‌گذاری می‌کنن بی اعتمادی ما ثابت شده. خلاصه عقل آدم حکم می‌کنه اگه شخصی مخالف عقاید تو، مخالف نظریات تو و برخلاف اون چیزی که داری قصد فروپاشی عقاید و نظریات داره، هیچ موقع به چنین شخصی نباید اعتماد کنید. این ائتلاف ضد ایرانی نیست اینا ضد دینیه» (کد D).

«روایت داریم که میگه مؤمن و انسان عاقل از یه سوراخ دوبار گزیده نمیشه. تاریخ و تجربه ایران ثابت کرده که یک سری از کشورها دشمن قسم خورده ایرانن. چون با



اعتقادات ما مشکل دارن. اون‌ها نه با انرژی هسته‌ای بلکه با خود ما مشکل دارن. اونا با خود اسلام و شیعه بودن ما مخالفن. اونا می‌خوان که همه مطیع اونا باشن که دین اسلام هم مخالف این نظره. درباره ائتلاف هم باید بگم که اینا می‌خوان کل انظار عمومی رو بر علیه ما بکنن. خودشون می‌دونن که اگه تنها باشن کاری از عهده‌شون بر نیامد که علیه ما بکنن» (کد J).

«نظر من نظر قرآنه. خدا هیچ راهی بر کافران قرار نداده که بر مسلمانان سلطه پیدا کنن. الله از همه بالاتره. نه در پناه شرق باشیم نه در پناه غرب. این ائتلاف علتش ایران‌هراسی و اسلام‌هراسیه. اونا بعد از اینکه مارکسیست شوروی رو شکست دادن فکر می‌کردن دیگه پیروز جهانن. بعد از اینکه غرب، شرق رو شکست داد فکر می‌کردن که پیروز دنیا هستن اما دیدن نه، یه ایدئولوژی جدید دیگه‌ای دوباره در جهان به وجود اومد که خیلی مستحکم‌تر از اون ایدئولوژی شوروی بود» (کد L).

«شاید اوایل قرن‌های اسلام بود که مسلمانان حمله کردن و آندلس (اسپانیا) رو گرفتن. از نظر نظامی امپراتوری اون موقع از اسلام کم آورد. بعد این مسیحی‌ها اومدن یه کار دیگه کردن گفتن که اگه اسلام با همین نیرو پیش بره کل دنیا مسلمان میشه و از نظر نظامی همیشه جلوی اینارو گرفت. باید از نظر عقیدتی و فرهنگی روی اینا کار کنیم. یواش یواش توی عرض چند سال مسلمانان شکست خوردن شاید مشابه همون اتفاق رو می‌خوان توی کشور ما انجام بدن. اونا از طریق جنگ نتونستن بر ما پیروز بشن و الان اومدن که با تهاجم فرهنگی بر ما پیروز بشن» (کد A).

«بین هرچقدر انسانو به سمت تمایلاتش بکشی بیشتر از کارای دیگه دور میشه. اونا اومدن سرمایه‌گذاری کردن روی تمایلات افراد. مثلاً جوانا به جای اینکه برن درس بخونن برن دنبال دختر. دخترا پیش پسر. تمایلاتشونو ارضا کنن. اونوقت دیگه کی میره دنبال علم. وقتی که تو رفتی دنبال میل، روایت داریم که می‌گه علم رو باید در کجا بجویی، در گرسنگی. وقتی دیدی که شکمت سیره دیگه علمی وجود نداره. اونا می‌خوان مردم رو علاقه‌مند کنن به چیزای تزیینی، پولشونو در این راه خرج کنن» (کد B).

«الان می‌بینیم که فیلم‌هایی علیه ما درست می‌کنن با بودجه‌های میلیاردی که مارو توی جهان منفور نشون بدن. یا فیلم‌های غیراخلاقی رو توی ماهواره نشون میدن که سبک زندگی مردم ما رو تغییر بدن. به نظرم بیشترین چیزی که می‌تونه به تهاجم فرهنگی کمک کنه رسانه است. رسانه باید تبلیغ کنه» (کد E).

«آمریکا و غرب از هر راهی می‌خوان وارد بشن تا کشور ایران اسلامی رو از پا در بیارن. اینا دیدن که از راه نظامی نتونستن، فیزیکی نتونستن و اومدن از راه فرهنگی وارد شدن. خب شما فرض بفرمایید اگه یه جوون ایرانی توی دینش سست بشه، وقتی دین نداشته باشه دیگه هرچی بگی قبول میکنه. خب غیرت پایه‌اش دینه، تعصب پایه‌اش دینه، حیا پایه‌اش دینه. اگه دین طرف رو ازش بگیریم دیگه اینا براش معنا نداره و وقتی معنا نداشت دیگه ملیت هم از چشش می‌افته» (کد J).

«اونا فقط با شیعه ما و فکر تشیع ما کار دارن. دیگه کار ندارن که می‌خوان بعد تشیع ما بودایی بشیم، می‌خوایم گاوپرست بشیم، مسیحی بشیم، هرچی می‌خوایم بشیم فقط مسلمان و شیعه دوازده امامی نباشیم. اینا با این کار دارن و برای پیشبرد اهداف خودشون اومدن روی بی‌حجابی و بدحجابی تمرکز کردن. تجربه هم نشون داده که مثلاً بحث اندلس این موارد بهتر جواب میده تا سایر موارد واسه همین از این روش استفاده می‌کنن. الان توی بازار و خیابون‌ها نگاه کنی می‌بینی که وضع حجاب چطوره. مخصوصاً توی بعضی از شهرهای بزرگ الان نگاه کنی از در و دیوار ماهواره آویزان شده که مسلماً تأثیر داره دیگه. به نظرم همه توی این زمینه کوتاهی کردیم، از حوزه علمیه گرفته تا دولت، نیروی انتظامی، خانواده و خود افراد» (کد M).

«پیشرفت اقتصادی و نظامی روبه‌رشد داشتیم. الان ایران داره با شش کشور مذاکره می‌کنه حتی اگه اونا پیش شرط بذارن ایران قبول نکنه مذاکرات بهم می‌خوره. به این میگن پیشرفت. این بحث ظاهریش بود. حالا از نظر نظامی چقدر پیشرفت کردیم. از لحاظ علمی چقدر پیشرفت کردیم. در همه زمینه‌ها پیشرفت بوده» (کد A).

«خب وقتی ما داریم پیشرفت می‌کنیم اونا منافعشون به خطر می‌افته. بالاخره پیشرفت یک حق و حقیقته، البته من منکر ضعف‌هایی که توی کشور وجود داره نیستیم و تا اسلامی شدن مسائل و برنامه‌ها خیلی فاصله داریم، اما حداقل توی راهش هستیم. وقتی ما پیشرفت بکنیم اونا منافشون به خطر می‌افته به خاطر همین با پیشرفت کشور ما مخالفت می‌کنن» (کد C).

«نمی‌تونیم بگیریم پیشرفت منحصر به یه زمینه خاصیه. گاهی اوقات ممکنه پیشرفت به لحاظ علمی باشه، گاهی اوقات ممکنه پیشرفت پزشکی باشه و گاهی اوقات ممکنه پیشرفت نظامی باشه، هسته‌ای باشه. همیشه محدودش کرد به یه زمینه خاص. اکثر





کشورهایی که مخالف ما هستند از پیشرفت نظامی ما می‌ترسند. چون از مستقل شدن ما می‌ترسند» (کد D).

«شکر خدا ما توی خیلی از زمینه‌ها پیشرفت کردیم، چه توی بحث علمی باشه، چه توی بحث ورزشی باشه، چه نظامی باشه. الان قدرت نظامی و بازدارندگیه که داره توی منطقه حرف اول رو می‌زنه. توی خیلی از زمینه‌های علمی ایران دارای رتبه علمی هم هست» (کد J).

«بعضی‌ها این پیشرفت رو باور نمی‌کنند. مثلاً ما در سال اول انقلاب ۳۵۶ تا مقاله آی اس آی داشتیم الان سی هزار مقاله داریم. توی صنعت، ماهواره، هسته‌ای، در فضا، در عرصه نظامی و در زمینه‌های دیگه خیلی پیشرفت داشتیم. الان ما به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شدیم و این واقعاً از اینا ترس دارن» (کد L).

«بیشتر از جنبه اقتصادی. یعنی منافع‌شون اقتضا می‌کنه چنین روشی رو برگزینن. کشورهای عربی بیشتر درآمدهشون بر اساس نفته، یعنی اقتصادشون مقاومتی نیست، بومی نشده، تولید ناخالص داخلی ندارن و فقط نفته که بیشترین نفت هم خریدارش غربه. اگه اینا بخوان حرفی بزنن اقتصادشون از بین میره و کشورشون می‌خوابه. پس برای حفظ منافع چاره‌ای جزء سکوت ندارن» (کد A).

«کشورهای غربی نهایت اینه که حقوق بشر رو در اسرائیل محکوم کنن و فقط در حد اون بیان کنن اما در پشت پرده ازش حمایت می‌کنن. عرب‌ها از دو چیز تشکیل شدن. یکی دولت عرب و دیگری مردم عرب. دولت‌های عربی بیشتر وهابین. وهابیت مخالفه با خود اسلام» (کد B).

«این واقعاً مسلمان نیستن کسانی که توی کشور عربی هستن. اونا تأمین‌شون می‌کنن و یه سری امکانات بهشون میدن و کشورهای عربی بالاخره مترسک غرب میشن و کاراشون انجام میشن. اسلام امریکایی که میگن همینا هستن. یعنی به اسم دین علیه دین استفاده می‌کنن» (کد C).

«خب برای بقای خودشون مجبورن که سکوت کنن. اگه سکوت نکنن یک‌شبه کشورشون نابود میشه و فرو می‌پاشه. اونجایی که به نفعشون باشه سکوت می‌کنن و توی مسائلی که به ضرر خودشون و هم‌پیمانانشون باشه سکوت نمی‌کنن. چون منفعتشون به خطر افتاده» (کد H).

«کشورهایی مثل امریکا و اسرائیل آگه بخوان از حمایت کشورهای عربی مثل عربستان دست بکشن همین تحریم‌هایی که روی ایران هست یک درصدش روی کشورهای عربی باشه این کشورها کلاً متلاشی می‌شن. اینا به خاطر خودشون و به خاطر منافع خودشون که بهشون ضربه‌ای نخوره از اینا حمایت می‌کنن و سکوت میکنن» (کد. O).

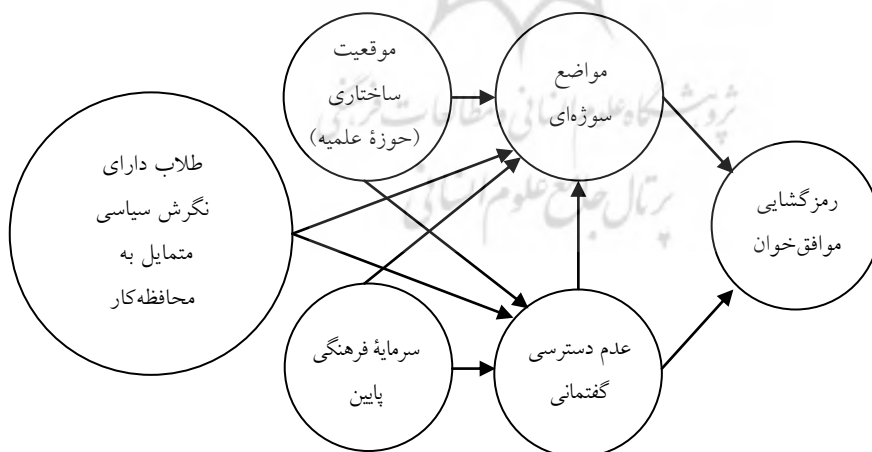
تیپ اجتماعی طلاب

از مجموع ۴۲ مصاحبه انجام‌شده، پانزده مورد از آنها به طلاب تعلق دارد. بر اساس نتایج داده‌های SPSS، آنها دارای نگرش سیاسی متمایل به محافظه‌کاری بودند. همه آنها اخبار را از تلویزیون و بخش خبری ۲۰:۳۰ تماشا می‌کنند و آن را تا پایان می‌بینند. برخی از آنان به اینترنت دسترسی دارند و هرازگاهی برای خواندن اخبار به آن رجوع می‌کردند. بیشتر به وبگاه‌های داخلی مراجعه می‌کنند و بیشتر وبگاه‌های محافظه‌کار را دنبال می‌کنند، اما الزاماً همه این طور نیستند. وبگاه‌هایی مثل فارس نیوز، خبرگزاری تسنیم، تابناک، الف، نسیم و مانند اینها را مرور می‌کنند. آنها هیچ علاقه‌ای به جست‌وجوی اخبار از وبگاه‌های مثل بی‌بی‌سی فارسی و امثال آن ندارند و عدم دسترسی و خلاف واقع بودن مطالب آنها را مهم‌ترین دلیل برای عدم مراجعه به آنها ذکر می‌کنند. در کنار اینترنت، اخبار را از روزنامه‌ها نیز پیگیری می‌کنند و غالب روزنامه‌هایی که مشغول خواندن آن هستند روزنامه‌های کیهان و جوان است که هر روز صبح به حوزه آورده می‌شود. تعداد کمی از آنان عضو شبکه‌های اجتماعی هستند و آن تعداد هم از شبکه‌های اجتماعی بیشتر برای فرستادن پیام شخصی یا احادیث و قرآن استفاده می‌کنند و خیلی کم پیش می‌آید که به دنبال جست‌وجوی اخبار از این شبکه‌ها باشند. بیشترین استفاده‌ای که از شبکه‌های اجتماعی وایبر و لاین دارند برای آگاهی از اوضاع و احوال دوستان و آشنایان خود است. این گروه از مخاطبان علاقه‌ای به دنبال کردن اخبار از شبکه‌های ماهواره‌ای نیز ندارند و بیشتر ترجیح می‌دهند اخبار را از منابع داخلی پیگیری کنند. به نظر آنها برنامه‌خبری شبکه‌های ماهواره‌ای بیشتر به دنبال شانتاژ کردن اخبارند و بسیاری از اخباری که آنان مطرح می‌کنند خلاف واقعیت است. انتقاداتی که به برنامه‌خبری ۲۰:۳۰ دارند بیشتر مربوط به مسائل فنی و ظاهری خبر ۲۰:۳۰ است. برای مثال، چرا برنامه‌خبری ۲۰:۳۰ قبل از شروع با پخش آیه‌ای از قرآن





کریم آغاز نشد یا زمانش بسیار کوتاه است. همه آنان محتوای خبر را قبول دارند و اگر هم اختلاف نظری هست بیشتر مربوط به شیوه بیان و اجرای آن است. این طلباب بیشتر در خانواده‌های متوسط و پایین زندگی می‌کنند و نگرشی محافظه‌کارانه به مسائل و مشکلات دارند. خیلی زیاد خواهان تغییرات در جامعه نیستند و حفظ وضع موجود برای آنها بالاترین اولویت را دارد. دارای پیشینه مذهبی هستند و همه سخنان و تحلیل‌های خود را از قالب نگرشی مذهبی بیان می‌کنند. سرمایه فرهنگی پایینی دارند و بر اساس داده‌های SPSS سرمایه فرهنگی آنچنان بالایی ندارند. موقعیت ساختاری حوزه طوری است که بیشتر بازتولیدکننده سوژه‌های مورد نظر گفتمان مسلطاند. طلباب بر اساس این موقعیت ساختاری که آن را اشغال کرده‌اند موضع سوژه‌ای محافظه‌کار و مذهبی اتخاذ می‌کنند و در چارچوب گفتمان حاکم می‌اندیشند. به همین دلیل آنها در قالب گفتمان حاکم فکر می‌کنند و رمزگشایی آنان از برنامه خبری ۲۰:۳۰ بیشتر موافقت‌خوان است. آنچه در این میان بسیار مهم است و به عبارتی حلقه مفقوده‌ای است که باعث رمزگشایی متفاوت مخاطبان می‌شود، دسترسی گفتمانی است. دسترسی گفتمانی یعنی از خلال دسترسی داشتن به رسانه‌های دیگر، بتوان به گفتمان‌های موجود دیگر دسترسی داشت که از خلال آن بتوان نحوه رمزگشایی مخاطبان را مشخص کرد.



مدل ۴: الگوی رمزگشایی طلباب متمایل به نگرش سیاسی محافظه‌کار

نتیجه گیری

شواهد حاکی از آن است که پیام‌های تولیدشده از گفتمان تلویزیون در قالب برنامه خبری ۲۰:۳۰ در نهاد دانشگاه در سطح معنایی ۱ و سطح معنایی ۲ مدل استوارت هال با ناسازگاری‌هایی مواجه است. گفتمان برنامه مورد بررسی، مبتنی بر تقویت ارزش‌های اسلامی و دینی، آموزش و رشد نخبه‌گرایی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، تعلیم دانشجویانی نخبه و باورمند به اصول اسلامی و متکی به خود، تعلیم و آموزش نیروهای حزب‌اللهی و غرب‌ستیز است. اما دانشجویان متمایل به نگرش سیاسی لیبرال در برابر آن مقاومت می‌کنند. آنها به واسطه دسترسی گفتمانی و همچنین وجود نیروهایی که ارزش‌هایی همچون دموکراسی، عدالت‌طلبی، روحیه تعامل و سازگاری با جهان و ترویج روحیه نوگرایی را ترویج می‌دهند، دایره گفتمانی فراخ‌تری دارند و گفتمان هژمونیک مسلط در میان این چندگانگی، بار ایدئولوژیک خود را از دست می‌دهد. دانشگاه عرصه‌ای است که در آن تضاد گفتمانی را بیش از سایر نهادها مشاهده می‌کنیم. مطابق با موقعیت ساختاری دانشگاه، دانشجویانی که در این موقعیت قرار می‌گیرند مواضع سوژه‌ای متناسب با آن را اتخاذ می‌کنند.

در این پژوهش دانشجویان به دو تیپ اجتماعی تقسیم شدند. آنان بر اساس نمره‌ای که از تحلیل SPSS به دست آمد به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول دانشجویانی بودند که دارای نگرش سیاسی متمایل به لیبرال هستند، دسترسی به رسانه‌های دیگر دارند و اخبار را از شبکه‌های ماهواره‌ای زیاد پیگیری می‌کنند، از سرمایه فرهنگی قابل ملاحظه‌ای برخوردارند و در قرائت از برنامه خبری ۲۰:۳۰، رمزگشایی متفاوتی انجام می‌دهند. آنها متون خبری ۲۰:۳۰ را دارای بار ایدئولوژیک می‌دانند. به واسطه کسب موقعیت ساختاری از خلال دسترسی گفتمانی و نگرش سیاسی متمایل به لیبرال و همچنین داشتن سرمایه فرهنگی، موضع سوژه‌ای معارضی اتخاذ و رمزگشایی مخالفی از برنامه خبری ۲۰:۳۰ می‌کنند. گروه دیگری از مخاطبان که دارای نگرش سیاسی متمایل به محافظه‌کار هستند، رمزگشایی موافقی از برنامه خبری ۲۰:۳۰ می‌کنند. آنان بر این باورند که برنامه خبری ۲۰:۳۰ واقعی‌ترین اخبار را منعکس می‌کند. این گروه از مخاطبان فاقد دسترسی گفتمانی‌اند؛ یعنی با اینکه در موقعیت ساختاری دانشگاه قرار دارند و دانشگاه عرصه‌ای است که در آن گفتمان‌هایی رقیب وجود دارد، اما بر اساس



نگرش سیاسی خود در چارچوب آن تربیت شده‌اند و با داشتن خانواده‌های مذهبی، در چارچوب گفتمان ارجح فکر و عمل می‌کنند و اتخاذ مواضع سوژه‌ای آنها مطابق با همین گفتمان ارجح است.

مدرسه در بساخت سوژه‌های مورد نظر گفتمان مسلط در جامعه بسیار مهم تلقی می‌شود. موقعیت ساختاری‌ای که گفتمان غالب در صدد برآوردن آن است شامل «تقویت و تحکیم مبانی اعتقادی و معنوی در مدرسه، رشد فضایل اخلاقی و تزکیه نفس، تبیین ارزش‌های اسلامی و پرورش دانش‌آموزان مطابق آن، ایجاد روحیه تعبد دینی و التزام بدان، ترویج روحیه عدالت‌طلبی، ترویج اسکتبارستیزی و حمایت از مردمان مظلوم» (رضایی و غلامرضا کاشی، ۱۳۸۴) است. این عناصر از ویژگی‌های گفتمان مسلط‌اند که موقعیت ساختاری مدرسه را مشخص می‌کند و معلمان وقتی در چنین ساختاری قرار می‌گیرند، به خاطر عدم دسترسی گفتمانی، وابستگی مالی و مادی به دولت، نگرش سیاسی متمایل به محافظه‌کاری را اتخاذ می‌کنند و رمزگشایی موافقی از گفتمان رایج در جامعه دارند.

معلمان بر مبنای موقعیت ساختاری‌ای که در آن قرار داشتند و همچنین به دلیل وابستگی مالی به دولت، محافظه‌کارترین گروه در بین مخاطبان مورد بررسی بودند. شاید بتوان گفت که همین وابستگی در کنار عدم دسترسی گفتمانی، آنها را متقاعد کرده بود که مواضع سوژه‌ای موافق و تا حدودی تعدیل‌گرا داشته باشند و با دیدی محافظه‌کارانه برنامه خبری ۲۰:۳۰ را رمزگشایی کنند. گرچه آنها برنامه خبری ۲۰:۳۰ را مطابق گفتمان حاکم و القاء‌شده رمزگشایی می‌کنند، اما در موارد محدودی وارد گفت‌وگو با آن می‌شدند و از خود مقاومت نشان می‌دادند. این مقاومت بیشتر در زمینه نحوه اجرای برنامه و تا حدودی برخی مسائل اقتصادی و اجتماعی صورت می‌گرفت. برخلاف دانشجویان که مسائل سیاسی و مفاهیمی مانند دموکراسی و عرفی شدن برای آنها در اولویت بود، برای معلمان مسائل اقتصادی در اولویت اساسی قرار داشت.

گفتمان غالب در حوزه بیشتر حول محورهایی همچون تقویت ارزش‌های مذهبی، فعالیت در زمینه برگزاری نماز جماعت، زیارت عاشورا، دشمنی با امریکا و امریکاستیزی و طرد دموکراسی به شکل غربی می‌چرخید. طلبان در یک متن کلان روایت دینی، تعلیم و پرورش می‌یابند. مطابق این موقعیت ساختاری، حوزه علمیه



درصدد پرورش سوژه‌هایی معتقد به ارزش‌های اسلامی، پایبندی به اصول دینی و الهی، الهام‌گیری از بزرگان عالم معنا (مانند پیامبران و امامان)، طرد اصول و روش‌های غیردینی و عرفی، تقویت روحیه انقلابی و استکبارستیزی است. مطابق این موقعیت ساختاری، طلب مواضع سوژه‌ای متناسب با آن را اتخاذ می‌کنند؛ موضعی مذهب‌محور و باورمند در راستای هژمونی غالب جامعه که در چارچوب آن فکر و عمل می‌کنند. از سوی دیگر نگرش متمایل به محافظه‌کاری در کنار مذهبی بودن آنان مطابق گفتمان موجود معنا می‌یابد و آنها را به سوژه‌هایی باورمند و معتقد تبدیل می‌کند که بیشتر مناسب حال مجریان این امر است. این گروه از مخاطبان مذهبی هستند و با سطح سرمایه فرهنگی پایین تمامی مسائل موجود را در قالب گفتمان دینی و مذهبی موجه می‌دانند. موقعیت ساختاری‌ای که این طلب در آن قرار دارند، یک موقعیت ساختاری ایدئولوژیک و مذهبی است که درصد تولید سوژه‌هایی مطابق گفتمان حاکم بر جامعه است. بر همین مبنا موضع سوژه‌ای که آنان اتخاذ می‌کنند، مطابق با همین گفتمان حاکم است.

عدم دسترسی گفتمانی که خود از خلال دسترسی به رسانه‌های دیگر از قبیل شبکه‌های ماهواره‌ای به دست می‌آید، و در کنار آن سرمایه فرهنگی و نوع نگرش سیاسی، حلقه مفقوده در رمزگشایی مخاطبان بود. از نظر لاکلاو و موفه سوژه توسط گفتمان‌های مختلف در موقعیت‌های گوناگونی قرار داده می‌شود. سوژه نه در یک بستر گفتمانی، بلکه در بسترهای گفتمانی مختلف قرار داده می‌شود و دسترسی به این بسترهای گفتمانی محصول دسترسی گفتمانی‌ای است که از خلال عوامل یادشده امکان‌پذیر است. این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان انتظار داشت مخاطبان بر اساس موقعیت ساختاری‌ای که گفتمان موجود برای آنها مشخص می‌کند، در آن قرار گیرند و مطابق آن، مواضع سوژه‌ای متفاوتی اخذ کنند و در کنار دسترسی گفتمانی‌ای که دارند، دست به رمزگشایی متفاوتی بزنند. به بیان دیگر، مخاطبان با توجه به موقعیت اجتماعی و شرایط اجتماعی‌ای که در آن زندگی می‌کنند، دسترسی متمایزی به گفتمان‌های مختلف دارند و بنابراین از سوژکتیویته ناهمسانی برخوردارند، به همین دلیل، در مواجهه با گفتمان مسلط بر اخبار تلویزیونی، مطابق موقعیت ساختاری و دسترسی گفتمانی‌ای که دارند، دست به عمل رمزگشایی می‌زنند.



یافته‌های این پژوهش، نظریه‌های لاکلاو و موفه را در کنار هم تأیید می‌کند. لاکلاو و موفه معتقد بودند که افراد بر اساس موقعیت ساختاری که گفتمان‌ها برای افراد جامعه مشخص می‌کنند، مواضع سوژه‌ای متفاوتی اتخاذ می‌کنند؛ به عبارتی در گفتمان‌ها است که معانی اهمیت می‌یابند و هیچ چیز خارج از گفتمان، معنایی ندارد. از نظر آنها سوژه نه در یک بستر گفتمانی، بلکه در بسترهای گفتمانی قرار داده می‌شود و آنها بر اساس این بسترهای گفتمانی مواضع سوژه‌ای متفاوتی اتخاذ می‌کنند. در این پژوهش بر اساس چارچوب نظری سه نوع نگرش سیاسی محافظه‌کاری، نگرش سیاسی میانه‌رو و نگرش سیاسی لیبرال مشخص شد و بر اساس نمراتی که مخاطبان کسب کردند، به علت نزدیکی نمرات آنان به سمت نگرش سیاسی متمایل به لیبرالیسم و نگرش سیاسی متمایل به محافظه‌کاری، نگرش میانه‌رو از پژوهش حذف شد و بر اساس نمرات کسب شده بین دو گروه تقسیم شدند. بر اساس نظریه‌های تنها دانشجویان دارای نگرش سیاسی متمایل به لیبرالیسم رمزگشایی متعارضی از برنامه خبری ۲۰:۳۰ داشتند و دانشجویان، معلمان و طلاب دارای نگرش سیاسی متمایل به محافظه‌کاری رمزگشایی موافق با آن داشتند. معلمان علاوه بر رمزگشایی موافق تا حدودی رمزگشایی تعدیل‌گرا از برنامه خبری ۲۰:۳۰ داشتند و بیشتر درباره نحوه اجرای برنامه خبری و مسائل اقتصادی بود. البته باید در اینجا به عواملی همچون دسترسی گفتمانی، میزان سرمایه فرهنگی، نوع نگرش سیاسی و به خصوص موقعیت ساختاری‌ای که گفتمان مسلط برای جامعه ترسیم می‌کند و مخاطبان بر اساس آن موضعی سوژه‌ای اتخاذ می‌کنند، توجه داشت.



منابع

- آزاد ارمکی، تقی و رضایی، محمد (۱۳۸۵). سوژه و قدرت: تحلیل چگونگی شکل‌گیری ذهنیت در مطالعات فرهنگی. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۷، ۱۲۵-۱۵۶.
- آزاد ارمکی، تقی و محمدی، جمال (۱۳۸۵). زنان و سریال‌های تلویزیونی: مطالعه‌ای درباره سریال کلاتر و مخاطبان آن. *مجله پژوهش زنان*، ۲ (۴)، ۶۷-۹۴.
- آزاد ارمکی، تقی و محمدی، جمال (۱۳۸۵). تلویزیون و هژمونی فرهنگی: قرائت‌های زنان از سریال نرگس. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۷، ۱-۴۴.
- استوری، جان (۱۳۸۹). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*. ترجمه حسین پاینده، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- افشانی، سیدعلی‌رضا؛ مسعودنیا، ابراهیم و حیدری، محمد (۱۳۹۱). توزیع اجتماعی نگرش‌های سیاسی نوگرا و سنت‌گرا در شهر یزد. *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ۱۱ (۱)، ۲۹-۵۵.
- آلتوسر، لویی (۱۳۸۷). *ایدئولوژی و سازویرگ‌های ایدئولوژیک دولت*. ترجمه روزبه صدرآرا، چاپ اول، تهران: نشر چشمه.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۱). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم (لیبرالیسم و محافظه‌کاری)*. چاپ یازدهم، تهران: نشر نی.
- پرویزن، مرتضی (۱۳۹۰). *نقش سرمایه مذهبی افراد در تأثیرپذیری از گفتمان تلویزیونی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کردستان، گروه جامعه‌شناسی.
- رضایی، محمد و غلامرضا کاشی، محمدجواد (۱۳۸۴). چالش‌های بازتولید هژمونی دولت از طریق گفتمان مدرسه. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۴)، ۳۴-۵۸.
- شاپیرو، جان سالوین (۱۳۹۱). *لیبرالیسم معنا و تاریخ آن*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۶). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*. چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- کسرایی، محمدسالار و وردی‌زاده، نسرین (۱۳۸۹)، تحلیل نگرش گروه‌های سیاسی درون حاکمیت به نقش مردم در نظام سیاسی، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی*، ۲ (۴)، ۵۹-۱۲۵.
- کلاتری، عبدالحسین (۱۳۹۱). *گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی*. چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- کوبلی، پل (۱۳۹۱). *نظریه ارتباطات: مفاهیم انتقادی در مطالعات رسانه‌ای و فرهنگی*. ترجمه گودرز میرانی، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.



گیبینز، جان آر و ریمر، بو (۱۳۸۴). *سیاست پست مدرنیته: درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر*. ترجمه منصور انصاری، چاپ اول، تهران: نشر گام نو.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *صدرروشن: منطق و طرح در روش شناسی کیفی (جلد اول)*. چاپ اول: تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

محمدی، جمال (۱۳۸۷). مخاطبان و مجموعه‌های تلویزیونی: قرائت‌های زنان از مجموعه پرواز در حباب. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱ (۲)، ۷۹-۱۱۰.

محمدی، جمال و کریمی، مریم (۱۳۹۰). تحلیل قرائت‌های زنان از مجموعه‌های تلویزیونی: مطالعه موردی قرائت‌های زنان شهر ایلام از سریال *فاصله‌ها*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۴ (۱)، ۴۹-۷۷.

موفه، شانتال (۱۳۹۱). *دریاره امر سیاسی*. ترجمه منصور انصاری، چاپ اول، تهران: انتشارات رخداد نو. هالووز، جوآن و یانکوویچ، مارک (۱۳۹۱). *نظریه فیلم عامه‌پسند*. ترجمه پرویز اجلالی، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.

هرمن، مارگارت جی (۱۳۸۵). *روانشناسی سیاسی مسائل و موضوع‌های معاصر*. ترجمه مجتبی تمدنی، چاپ اول، تهران: نشر آتی.

Almond, G. A. & Verba, S. (1989). *The civic culture political attitudes and democracy in five nations*. London: Sage Publications.

Althusser, L. (1971). *Ideology and state ideological apparatus in lenin and philosophy and other essays*. Trans. from French: Ben Brewster, London: New Left Books.

Althusser, L. (2006). *Essays in self-criticism*, Trans. Grahame Lock, London: New Left Books.

Althusser, L. (2006). *Philosophy of the encounter: later writings*. 1978-87, eds. Francois Matheron, Oliver Corpet, London: Verso.

Ang, I. (1985), *Watching dallas: soap opera and the melodramatic imagination*. London: Methuen.

Ferretter, L. (2006). *Louis althusser*, London: Routledge.

Hall, S. Hobson, D. Andrew, L. and Paul W. (2005). *Culture, media, language*, London: Routledge.

Hobson, D. (1980). *Housewives and the mass media*, David Gauntlett and Annette Hill (eds.)-(2001) *TV Living: Television, Culture and Everyday Life*, London: Routledge.

Hobson, D. (1982). *Crossroads: The drama of a soap opera*. London: Methuen.

Howarth, D. (2000). *Discourse*. London: Open University Press.

Jorgensen, M. Phillips, L. (2002). *Discourse analysis as theory and method*. London: Sage Publications.

Laclau, E. (1990). *New reflections on the revolution our time*. London: Verso.

Laclau, E. Mouffe, C. (2001). *Hegemony and socialist stratge: Toward a radical democratic politics*. London: Verso.

Lahtinen, M. (2009). *Politics and philosophy: Niccolò Machiavelli and Louis Althusser's aleatory materialism*. Netherlands: Brill.

Mills, S. (2001), *Discourse*, London: Routledge.



فصلنامه علمی- پژوهشی

۷۰

دوره هشتم
شماره ۲
تابستان ۱۳۹۴

- Moore, S. (1993). *Interpreting audiences: The ethnography of media consumption*. London: Sage.
- Morley, D. Brunson, C. (2005). *The nationwide television studies*. London: Routledge.
- Oakeshott, M. (1962). *Rationalism in politics and other essays*. London: Hertford and Harlow.
- W. Lewis, J. (1983). The encoding/decoding model: Criticisms and redevelopments for research on decoding. *Media, Culture & Society*, Sage, 5, 179-197.
- Zizek, S. (1990). *Beyond discourse analysis, in new reflections on the revolution our time*. Ernesto Laclou (ed.), London: Verso.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۷۱

بررسی رابطه میان
نگرش سیاسی ...



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی